کارگران همه‌کشورها متحد شوید!

کار

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

بهاران خجسته باد

دوره‌دوم ـ سال چهارم ـ شماره ۳۸

اول فروردین ماه ۱۳۶۶ ـ ۸ صفحه ـ ۴۰ ریال

پیام‌نوروزی کمیته‌مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سال نو، سال صلح و شادمانی باد!

* نوروز از راه رسیده است با شکوفه‌ها و سرسبزی بهاران. دست پربرکت طبیعت بر سراسر سرزمین نگین گل نشانده است و دست پرنکبت خمینی داغ عزیزان بر دل مادران زده است. یاد شهیدان را گرامی بداریم و از خاطره تابناک آنان وثیقه‌ای برای نبرد آشتی ناپذیر با رژیم خمینی بسازیم.

* کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آستانه نوروز باستانی، فرا رسیدن این عیدبزرگ ملی را به همه شما شادباش می‌گوید و آرزو می‌کند که سال نو، سال پایان مصیبت‌های جنگ، سال صلح و شادکامی برای شما باشد. متن کامل پیام در صفحه ۳ درج شده است.

اتحاد، مبارزه

سال ۶۵ بپایان رسید و اینک سال نو، همچون آوردگاهی نبرد برابر ما گسترده است. سالی که گذشت تلخ و خونبار و ویرانگر بود. حکومتیان تا توانستند بستند و کشتند و خون ریختند، و مردم ستمدیده در سخت‌ترین شرایط، مقاومت خود را علیه رژیم تداوم و گسترش دادند. ما سازمانهای انقلابی و پیشاهنگ مردم با جانبازی کوشیدیم تا شعله‌های نبرد را سوزانتر سازیم و توده‌ها را برای پیکاری قطعی بسیج کنیم. ما در این راه کشته‌ها و اسیران بسیار دادیم، اما خود همچنان نامتحد باقی ماندیم و از این رو نتوانستیم نیروی واقعی مان را در پیکار با رژیم به میدان کشیم. اکنون در آغاز سال نو لازم است ببینیم دستاورد سازمانهای مردمی در زمینه اتحاد و مبارزه چه بوده است. باید بکوشیم تا از این ارزیابی درسی برای بهتر رزمیدن در سال آینده بگیریم.

ما در کار شماره ۳۶ تحلیل مشروح هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان درباره جوانب گوناگون اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور را درج کردیم. از این رو نیازی به پرداختن مجدد به آن مسایل نیست. در اینجا تنها جوانبی از وضع مبارزه نیروهای چپ و ترقیخواه را مورد توجه قرار می‌دهیم.

مبارزه نیروهای چپ و ترقیخواه در سال گذشته به‌لحاظ کیفی هیچ‌تغییری نکرده است. در این سال نه اتحادی پدید آمد، نه اشکال نوینی از مبارزه بکار بسته شد و نه در پیوند میان سازمانهای چپ و ترقیخواه با توده‌های ناراضی تحول چشمگیری پدید آمد. در سال گذشته نیز علیرغم کاربست اشکالی از حرکتهای تعرضی از سوی سازمان ما، حزب دمکرات کردستان و سازمان مجاهدین خلق (نمونه‌هایی مانند تعرض سیاسی ـ تبلیغاتی سازمان ما در داخل کشور، برخی عملیات مسلحانه تعرضی حزب دمکرات و بسیج نظامی مجاهدین)، در مجموع بخش مهمی از نیروی سازمانهای مردمی و مبارز صرف دفاع از موجودیت و بقاء خود شده است. در مورد سازمان ما میتوان گفت پس از ضربات تابستان و پائیز برای دفع تهاجمات رژیم ناچار شدیم نیروی بیشتری را به حفظ موجودیت و امنیت تشکیلات اختصاص دهیم و اینک بطور تدریجی برای آزاد کردن آن نیرو جهت شرکت در تعرض متقابل اقدام می‌کنیم.

به‌لحاظ کمی نیز می‌توان گفت که در مجموع وضعیت مبارزه سازمانهای چپ و مبارز نسبت به سال پیش از آن تغییری نیافته است. سازمان ما در بهار و تابستان، با انگیزش و رهنمود پلنوم وسیع فروردین ماه، تعرض سیاسی و تبلیغاتی وسیع و موثری را علیه رژیم پیش برد. در این مدت حدود شصت هزار شماره کار و صدها هزار اعلامیه و پیام در کشور چاپ و پخش شد و شعارهای سازمان در محیط‌های کار و زندگی و خیابانها و میدانهای شهرها بچشم می‌خورد. همچنین سازمان کوششهای بیشتری را برای سازماندهی مبارزه صنفی و سیاسی کارگران و

بقیه در صفحه ۲

تبهکاری های رژیم، پیکارهای مردم

نوروز در حالی فرا میرسد که مردم ایران یکی از دشوارترین سالهای حیات خود را پشت سر گذاشته‌اند.

در نوروز سالی که گذشت جغد جماران بار دیگر آوای شوم سر داده بود که: "امروز همه ما مکلف هستیم و جوانان ما باید پر کنند جبهه‌ها را ... ما تا حزب عفلقی هست جنگ خواهیم کرد." خمینی شهوت خونخواری اش را بدینگونه بیان داشت و درندگان دست‌آموزش در تداوم خط فریب و نیرنگ، در بوق و کرنا دمیدند که سال ۶۵ سال پیروزی "اسلام بر کفر" سال "سرنگونی صدام"، "سال پیروزی امت اسلام بر استکبار جهانی" و سال پایان پیروزمندانه جنگ است!

ما در افشای جنون جنگ طلبی خمینی و دروغ‌پردازی دستگاه تبلیغاتیش بارها و بارها نوشتیم. اکنون که سال ۶۵ به سر آمده، مروری بر تحولات این سال سیاه و نکبت‌بار حکومت فقها، روسیاهی دروغگویان حاکم و حقانیت مبارزه انقلابیون ایران در راه سرنگونی رژیم تبهکار خمینی را به وضوح اثبات می‌نماید:

بدنبال سخنرانی نوروزی خمینی، سمینارهای رنگارنگ "لبیک یا امام" تشکیل شد و سیاست شکار جوانان تشدید گردید.

به موازات این اقدامات ضد مردمی، سیاست جلب دوستی امپریالیسم آمریکا با شتاب پیش رفت و در اواسط سال، آخوندهای حاکم در حالی که هنوز با وقاحت فریاد ضد "استکباری" سر می‌دادند، با دولت ریگان وارد بند و بست شدند. فقهای اسلام‌پناه دریافتند که "جهاد مقدس" آنها برای "نجات اسلام" یا "جنگ صلیبی" ریگان مغایرتی ندارد. بدنبال آن، رژیم ضمن برخورداری از امدادهای غیبی امپریالیسم آمریکا اقدام به راه‌اندازی مجدد ایستگاههای جاسوسی آمریکا در مناطق مرزی ایران و شوروی و ایران و افغانستان نمود و انگلستان نیز به نیابت از جانب آمریکا یک قرارداد ۳۶۰ میلیون دلاری برای ساختن مدرنترین سیستم رادار برای مرز اتحاد شوروی و مرز افغانستان با جمهوری اسلامی امضا کرد.

آثار جنگ طلبی رژیم در حیات اقتصادی ـ اجتماعی کشور عمیق تر از پیش ظاهر گشت: اقتصاد کشور به نابودی کشیده شد. رکود بی‌سابقه عرصه تولید را فرا گرفت. کارخانجات یکی پس از دیگری تعطیل شدند. صدها هزار کارگر و کارمند به صفوف بیکاران پیوستند. تورم به شدت افزایش یافت و سوخت و آذوقه بیش از سال پیش نایاب شد. نقدینگی سرمایه‌داران از رقم نجومی ۱۰/۰۰۰ میلیارد ریال گذشت. بر میزان مالیات‌ها تا زاشاریابین جامعه افزوده شد

اطلاعیه کمیته‌مرکزی سازمان

پیرامون اراجیف رژیم ارتجاع

در صفحه آخر

اختناق و سرکوب شدید ادامه یافت: ساواک رژیم دانشگاه تعلیم شکنجه تاسیس کرد. گلوگاههای امنیتی در خارج شهرها ایجاد گردید و تنها در تهران ۲۹ "پایگاه امنیتی" جدید ساخته شد. هر صدای اعتراضی به شدت سرکوب شد. سرکوب خلق کرد با درنده‌خوئی و خشونت ادامه یافت و صدها نفر در بلوچستان دستگیر شدند. دور تازه‌ای از شکنجه و کشتار در زندانها آغاز شد و...

در زمینه مسائل اجتماعی وضع به مراتب اسف‌بارتر و نفرت‌انگیزتر شد: آمار معتادین از مرز دو میلیون گذشت، فحشا افزایش یافت و بسیاری از زنان ستمدیده به خودفروشی کشانده شدند. تحقیر و توهین به زنان شدت گرفت. رفسنجانی طرح فاشیستی اردوگاه برای زنان "بدحجاب" را

بقیه در صفحه ۲

کو" پیروزی"؟

سرتاسر سال گذشته نیز میهن ما همچنان در آتش جنگ وحشیانه و ویرانگر، سوخت و ویران شد. سران رژیم در آغاز سال با هیاهوی گوشخراش سال ۶۵ را "سال پیروزی نهایی" و "سال سرنوشت" اعلام کردند تا به خیال خود مردم را به امید "پیروزی" سرگرم کنند. خمینی جنایتکار در پیام نوروزی سال گذشته خود وعده "پیروزی" داد و به‌دنبال او مسئولین ریز و درشت حکومتی با لاف و گزاف یکسره از کار جنگ سخن گفتند. رفسنجانی در نخستین روز سال جاری گفت "سال گذشته، سال مقاومت بود و سال جدید، انشاءالله سال پیروزی نهایی در جنگ است." خامنه‌ای "سال نو را سال پیروزی اسلام و مسلمین و جمهوری اسلامی" و صانعی "سال فتح و پیروزی نهایی" اعلام کردند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۹ فروردین ۶۵)

محسن رضایی فرمانده جنایتکار سپاه پاسداران در روز ۱۱ خرداد گفت: "فرماندهی کل قوا تصمیم گرفته‌اند و برنامه‌های بزرگی را در ادامه نبرد طراحی و به مورد اجرا بگذارند و ما سال را سال سرنوشت قلمداد کرده‌ایم." دو ماه بعد در نهم مرداد، رفیق دوست وزیر دفاع سپاه ارتجاع اعلام کرد: "همانگونه که امام امت و فرماندهی کل قوا تاکید کرده‌اند، ما در سال جاری با پیروزی کامل به جنگ پایان خواهیم داد."!!

سران جنایتکار رژیم برای اجرای این وعده‌های فریبکارانه و تبدیل سال ۶۵ به "سال سرنوشت"

بقیه در صفحه ۳

پیشنهاد اتحاد شوروی برای برچیدن موشکهای میانبرد از اروپا

اتحاد شوروی طی پیشنهاد جدید و بسیار مهمی امریکا را به اقدامی عملی در راه تامین امنیت و صلح در منطقه اروپا و در جهان فرا خواند. اساس این پیشنهاد که در اعلامیه میخائیل گارباچف رهبر شوروی آمده است مبتنی بر توافق جداگانه درباره محو کامل موشکهای میان برد مستقر در اروپا است؛ بدین طریق که حل مسئله موشکهای میان برد از سایر مسایل جدا شده و به آنها مشروط نمیشود.

پیشنهاد اخیر اتحاد شوروی که بر ارزیابی واقعی از امکانات موجود برای رسیدن به توافق متکی است، اشعار میدارد که با امضای قرارداد، موشکهای میان برد در اروپا نابود خواهد شد و طی این مدت این نوع موشکها که در بخش آسیایی خاک شوروی مستقر است به تعداد ۱۰۰ کلاهک کاهش داده خواهد شد و طرف امریکا نیز همین تعداد کلاهک در خاک خود خواهد داشت. اتحاد شوروی اعلام داشته است که به مجرد امضای قرارداد موشکهای عملیاتی تاکتیکی با برد زیاد خود را از خاک آلمان دمکراتیک و چکسلواکی بر اساس توافق با دولت های این دو کشور خارج خواهد ساخت

بقیه در صفحه آخر

در این شماره

★ برای بسط نفوذ سازمان در نیروهای مسلح بکوشیم — در صفحه ۵
★ بیانیه احزاب خاور عربی — در صفحه آخر
★ امپریالیسم خبری و عملکردهای آن — در صفحه ۷
★ زنده باد دوستی ایران و اتحاد شوروی — در صفحه ۷
★ افغانستان در راه "مصالحه ملی" — در صفحه آخر
★ در تدارک جشن اول ماه مه — در صفحه ۵
چگونگی کنترل نامه ها (۲) — در صفحه ۶
بحران اقتصادی تشدید میشود — در صفحه ۴

زنده‌باد صلح، زنده‌باد آزادی، مرگ بر خمینی!

کار
ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
فروردین ماه ۱۳۶۶
شماره ۳۸ صفحه

اتحاد، مبارزه... بقیه از صفحه اول

کارمندان و دیگر زحمتکشان و روشنفکران آغاز کرد.

از اواخر تابستان که ضربات آغاز شد، در این تعرض انقلابی سازمان افتی پدید آمد که اکنون در حال جبران است. در این سال حزب توده ایران عمدتا به بازسازی تشکیلات آسیب دیده خود مشغول بود. فعالیت اقلیت بر اثر کشاکشهای درونی دچار آسیب های جدی شد، سایر سازمانهای مارکسیست و نیز حزب دمکرات کردستان هم وضعیتی مثل سال پیش از آن داشتند. در مورد مجاهدین باید گفت که علیرغم بسیج نیرو در نوار مرزی ایران و عراق افزایشی در فعالیت آنها مشاهده نشده است. در خارج از کشور فعالیت مجاهدین نسبت به قبل کاهش یافته است و نیز استقرار رهبری مجاهدین در عراق وضعیت این سازمان را آبستن دشواری های جدی جدیدی کرده است.

به اعتقاد ما اپوزیسیون ترقیخواه و بطور مشخص نیروهای چپ، امکانات بسیاری برای افزایش کمیت و کیفیت مبارزه خویش در داخل کشور دارند و ما به آینده با خوشبینی نگاه می‌کنیم. اما بهره‌گیری از این امکانات و ارتقاء موقعیت جنبش ما ضرورت فوری و مبرم دارد. یکی از سرحلقه‌های حرکت نیروهای چپ و کل اپوزیسیون ترقیخواه همانا اتحاد، اتحاد و اتحاد است. سال گذشته نیز دستاورد جنبش در این عرصه (اگر از زمینه‌سازی ها بگذریم) نزدیک به صفر بوده است. در این سال هیچ اتحاد جدیدی انجام نشد. با اینهمه باید گفت نطفه‌های مثبتی در اندیشه و عمل برخی از نیروهای انقلابی مشاهده شد که شاید بتواند جوانه بزند و خوشه دهد. مثلا حزب دمکرات کردستان (اگرچه بطور کلی) یکرشته مسایل را درباره ضرورت اتحاد نیروهای ترقیخواه مطرح کرد که ما در مجموع آنها را گامی بجلو و مثبت ارزیابی کردیم. همچنین حزب دمکرات کردستان کوشید گامهایی در راستای اندیشه‌های مطرح شده بردارد. البته بنظر ما این گامها فاقد قاطعیت و واقع‌بینی ضرور بود و با تردید و تزلزل همراه شده است.

"راه کارگر" نیز پس از پلنوم اخیر سازمان پیرو بیانیه ۱۶ آذر اعلام کرد که اتحاد با این سازمان را می‌پذیرد. بهرصورت شنیدن یک کلمه مشخص درباره اتحاد آنهم از سوی راه کارگر بسیار جالب و مثبت بود. ما از اقدامات و روندهایی که در سمت اتحاد نیروهای چپ و در سمت اتحاد کل اپوزیسیون مترقی و مبارز باشد قویا حمایت می‌کنیم. همچنین با اندیشه‌ها و تلاش هایی که در سمت ضدیت با سازمان ماست و برخی "اتحاد"ها را به شرط برخی عدم اتحادها می‌پذیرد قویا پیکار می‌کنیم و ماهیت واقعی آنها را افشا می‌سازیم.

سازمان ما طی سال گذشته کوششهای زیادی در راه اتحاد نیروهای چپ و اتحاد وسیع همه نیروهای ترقیخواه و مبارز انجام داد. ما کوشیدیم در این سال نتیجه‌ای عملی کسب کنیم. ما در تماسهایی که با برخی سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی گرفته‌ایم دریافتیم که در پشت صحنه تبلیغات امکانات اندکی بیشتر برای پی‌افکنی اتحاد میتوان دید. این تماسها نشان می‌داد که فشار چپروانه علیه اتحاد و ترس برخی نیروهای مترقی از یکدیگر تاثیری بیش از آنچه بچشم می‌خورد بر روند اتحاد و بر مواضع این نیروها می‌گذارد. ما یافتن راهی هر چه مؤثرتر برای خنثی کردن این فشارهای مخرب را از عوامل جدی راهگشای امر اتحاد نیروهای ترقیخواه می‌دانیم.

آنچه هم‌اکنون سد راه عمده اتحاد نیروهای ترقیخواه و مبارز ایران است همان عوامل کهن و کهنه شده است. برخی از سازمانهای چپ در عمل بندرت تفاوتی بین ملاک‌های وحدت و اتحاد (در مقیاس جنبش چپ) قایل می شوند. آنها برای متحد خود همان خصوصیاتی را در نظر می گیرند که برای طرف وحدت خود لازم می دانند. از سوی دیگر توده‌ای ستیزی کماکان وسیله برائی است در خدمت تفرقه جنبش. عدم پذیرش هرگونه اتحاد با حزب توده ایران به‌صورت یکی از شروط اتحاد در نزد برخی از سازمانهای مبارز درآمده است. این اندیشه، اندیشه‌ای غیرسیاسی است که تنها به یک انتقامجویی کین توزانه شبیه است.

یکی دیگر از عوامل بازدارنده اتحاد رهبری طلبی اراده‌گرایانه و به‌زیان ساده‌خودخواهی گروهی است. عجیب ترین فکر این است که مثلا رهبری مجاهدین گمان می‌کند که اتحاد با دیگران، (یعنی با چپ ها) سبب می شود پس از سقوط رژیم (که گویا آنها به‌تنهایی آنرا سرنگون خواهند کرد) ناچار شوند سهمی برای آن "متحدین" قایل شوند. یعنی خلاصه کلام برای سرنگونی رژیم با چپ متحد نمی شود تا پس از سرنگونی با چپ متحد و شریک نباشد! چنین فکری نزد هرکس که باشد فراتر از پذیرش یا رد اتحاد، به معنای رد دموکراتیسم و آزادی های سیاسی است. با این فکر باید پیگیرانه مبارزه کرد. ما تاکید می‌کنیم که جنبش نیازمند اتحاد وسیع همه نیروهای ترقیخواه مدافع صلح، آزادی و دموکراسی و خواهان سرنگونی رژیم حاکم است و هرگونه پیش شرطی که مغایر و مخل چنین اتحادی باشد، بشدت نادرست و به‌زیان جنبش و انقلاب است. در رابطه با جنبش چپ نظر ما این است که اتحاد این جنبش باید هسته اصلی اتحاد وسیع تر باشد. هریک از سازمانهای چپ که سخن از رهبری طبقه کارگر در جنبش خلق می‌گوید، بدون آنکه بطور عملی در راه اتحاد جنبش ما مبارزه کند، بدون اینکه با گشاده نظری چنین اتحادی را پذیرا گردد نخواهد توانست دلیلی برای اثبات ادعای خود بدست دهد. اتحاد جنبش چپ هم در راه اتحاد همه نیروهای ترقیخواه و هم در راه گسترش یگانگی ایدئولوژیک ـ سیاسی سازمانهای چپ و پیش بردن آنها در سمت وحدت بر اساس مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برنامه و اساسنامه واحد نقش بسیار بزرگی ایفا می کند.

ما همانگونه که در تحلیل های مکرر گفته‌ایم جنبش انقلابی و توده‌ای را در حال رشد می بینیم. نارضایتی مردم و پیوستن آنها به‌جریان سترگ مبارزه علیه جنگ و رژیم هرروز شتاب بیشتری می گیرد. در مقابل، رژیم حاکم قوی تر نمی شود، ضعیف تر می شود. جنگ، بحران اقتصادی و فشار ناشی از افزایش مبارزه مردم رژیم استبدادی را ناتوان و ناتوان تر می سازد. چنین شرایطی از سوی ارتجاع مغلوب و نیز نیروهای لیبرال بخوبی درک شده است. ارتجاع مغلوب کماکان فریبکارانه می کوشد تا از طریق مقایسه زندگی فلاکت بار کنونی مردم با دوران رژیم شاه نظر مردم را به‌سوی نیم‌ـ پهلوی و مرتجعان گرد وی جلب کند و آماده گردد تا به هنگام گل آلود شدن آبها ماهی بگیرد. از سوی دیگر جریاناتی چون "نهضت آزادی" بازرگان، درحالی که خود در روی کار آوردن رژیم خمینی و در آذین کردن این رژیم سالها خدمت کرده و هم‌اکنون نیز بیخ آن ریشه دوانده‌اند می کوشند تا خود را بعنوان پرچمدار "آزادی" و "صلح" به مردم معرفی کنند و از امکاناتی که در اختیار دارند برای منحرف کردن جنبش در سمت آماج های بورژوایی و سازشکارانه خویش بهره‌گیرند. نهضت آزادی درحالی که خود مشغول یک مناظره کم‌خطر با "حضرت امام" و حواریون وی است و برای حفظ بازمانده مراحم "امام" مانور می دهد، تلاش دارد تا بر جنایات رژیم علیه انقلابیون و مبارزین پرده بکشد، مبارزه ما را مستور و بی بها کند و تا می تواند با جار و جنجالهای ارزان و کم‌خطر اما بسیار حساب شده خود را نزد مردم بعنوان "پهلوان درمیدان" معرفی کند. این تاکتیکها اگرچه برای نهضت آزادی آینده ساز نیستند، اما نیروهای انقلابی و مبارز نباید به آنها کم بها دهند و از روی آنها بگذرند.

همه این واقعیتها باز هم از سازمانهای انقلابی و مبارز می خواهد که بخود آیند و آنچنان که شایسته است به میدان اندرآیند. توجه اکید به گسترش کمی و کیفی مبارزه انقلابی در داخل کشور، تامین و گسترش اتحاد در صفوف نیروهای انقلابی، ترقیخواه و مبارز، و گسترش نبرد متحدانه و بی امان برای سرنگون ساختن رژیم ارتجاع، چنین است نیاز ما و وظیفه ما. ما که خواهان تامین رهبری طبقه کارگر هستیم باید بدون درنگ و از همین امروز با گسترش مبارزه برای اتحاد جنبش خود و اتحاد مجموع جنبش ترقیخواه و با ادای سهم قطعی در میدان نبرد در راه برآوردن خواسته خود، یعنی خواسته طبقه کارگر بکوشیم. مبارزه برای اتحاد، اتحاد برای مبارزه، اتحاد و مبارزه برای پیروزی، چنین است شعار بزرگ جنبش ما در آغاز سال نو ●

تبهکاری های رژیم ••• بقیه از صفحه اول

مطرح نمود و برای دانش‌آموزان بدحجاب ۷۴ ضربه شلاق معمول گردید. درصد بیسوادان باز هم بالا رفت. اختلاس و رشوه‌خواری به پدیده رایج در دستگاه حاکمه مبدل شد. آمار خودکشی به‌شدت بالا رفت و سرقت، آدمکشی و آدم ربائی گسترش یافت. جلای وطن شدت بیشتری گرفت، تنها از طرق قانونی روزانه ۱۵۰ نفر از کشور خارج شدند. در سیاست خارجی سرانجام پرده‌ها فرو افتاد و چهره کریه رژیم آشکار گردید و معلوم شد که چگونه فقهای "ضد استکبار" برای "نجات اسلام عزیز" دست به دامن "شیطان بزرگ" و "دشمن صهیونیستی" شده‌اند. طشت رسوائی معاملات محرمانه خرید سلاح از آمریکا از بام افتاد، بخصوص وقتی که آشکار شد که ضدانقلابیون نیکاراگوئه، مرتجعین ضدانقلابی افغان و ضدانقلابیون آنگولا نیز از این خوان یغما و از کیسه جمهوری اسلامی به نوائی رسیده‌اند. تنها بیش از ۳۰ میلیون دلار از سود حاصل از فروش اسلحه آمریکائی به ایران نصیب کنتراها (ضدانقلابیون نیکاراگوئه) شد و این در شرایطی بود که رژیم خمینی ریاکارانه خود را مدافع انقلاب نیکاراگوئه جا زده است. برملا شد که رژیم ۱۲۰ میلیون پوند به بریتیش پترولیوم باج داده است و دکتر بهرامی، وکیل رژیم در لاهه پرداخت یک فقره به مبلغ ۳ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار به فدرال رزرو امریکا را افشا کرد.

سیاست جنگی رژیم نه پیروزی در پایان سال بلکه فقر و فلاکت و عزا برای مردم، به ارمغان آورد.

درعرصه کشاورزی نیز، رژیم تعرض برای بازپس گرفتن زمینهای مصادره شده دهقانان را تشدید کرد. طبق فتوای خمینی و مصوبه فروردین ماه مجلس فرمایشی آن، اسناد اراضی موقوفه‌ای که مشمول قانون اصلاحات ارضی شده بود، باطل شد و مجددا بحالت وقفی درآمد. در آبان ماه ۶۵ نیز مجلس فرمایشی رژیم قانون واگذاری اراضی کشت موقت را به تصویب رساند. مردم اما، به فقهای انقلاب شکن تسلیم نشدند و به مبارزات خود با اشکال پرتنوع ادامه دادند. کارگران، مبارزه علیه ادامه جنگ، اخراجها و شرایط غیرانسانی کار و زندگی را سرسختانه ادامه دادند. مبارزه برای تدوین قانون کار مترقی، حق تشکل، بیمه بیکاری و امتناع از اعزام به جبهه گسترش یافت. اعتراضات کارگران در واحدهای مختلف نه تنها حول مطالبات صنفی بلکه علیه جنگ نیز حتی به‌قیمت از دست دادن شغل، بیکاری و زندان ادامه یافت. سازمان ما به افشای قوانین و لوایح رژیم و ارائه رهنمودهای مشخص مبارزاتی پرداخت و کارگران را به دفاع از حقوق صنفی و سیاسی خویش، به تلفیق مبارزه علیه اخراج با مبارزه علیه جنگ و پیوند مبارزات توده‌ای جاری با مبارزه برای صلح و آزادی علیه رژیم دعوت کرد. کارگران کوماتسو، ۲۰۰۰ کارگر پوبلین رشت، کارگران نکا چوب و تخته سه‌لائی ساری، کارگران کارخانه یونولیت ۱۱ اهواز و ... در مقابل اعزام اجباری به جبهه، و برگزاری نمایشات نظامی دست به مقاومت، اعتصاب و راهپیمائی زدند. کارگران تراکتورسازی تبریز، کارگران صنایع ملی، ۷۰۰ کارگر ریسندگی اراک، ۱۵۰۰ کارگر هاویلوکس، کارگران واحد تولیدی وزنه و کارگران کشت و صنعت شمال و ... در برابر اخراج و در راستای حقوق صنفی خود به‌صورت مختلف، مبارزات گسترده‌ای را پیش بردند.

دهقانان زحمتکش میهن ما نیز نه تنها ناظر منفعل جنایات رژیم نبودند بلکه بیش از پیش به مبارزه علیه سیاستهای ضدمردمی و ضددهقانی رژیم پرداختند. این مبارزه بخصوص در مورد مبارزه علیه بازگشت فئودالها به روستاها و حفظ زمینهای مصادره شده، برجستگی خاصی داشت. درعین حال در سالی که گذشت مبارزه روستائیان علیه جنگ دامنه گسترده تری یافت. فرار جوانان روستائی از چنگ ماموران ژاندارمری افزایش یافته و روستائیان برمقاومت خود در برابر سربازگیری اجباری افزودند. دهقانان پویان کوهدشت ۳۰ روستای حومه اراک، ورندان ساری، روستاهای شبستر، قلات شیراز برای حفظ زمین، درمقابل سپاه، اوقاف، ژاندارمری و فئودالها ایستادند و به درگیریهای شدید و بعضا خونین تن دادند. خلق کرد به مبارزه دلاورانه خود ادامه داد و خلق بلوچ مبارزاتش را گسترش داد.

جوانان ورزش دوست تهران با شعار مرگ بر خمینی تظاهرات کردند. جوانان اکثر روستاها و شهرهای کشور در مقابل سربازگیری به درجات متفاوت مقاومت کردند. بطوریکه زد و خورد جوانان با شکارچیان انسان یک پدیده رایج در سال ۶۵ بود.

زنان و بویژه مادران اشکال متنوعی از مبارزه را به پیش بردند. زنان روستائی اطراف ساری در صف مقدم در مقابل سپاه پاسدار منافع فئودالها ایستادند. مادران روستاهای بهار همدان برعلیه جنگ راهپیمائی کردند و مادران زندانیان سیاسی حرکت وسیعی را سازمان دادند. زحمتکشان شهری نیز مبارزات گسترده‌ای را پیش برده‌اند: ۹۰۰ کارمند دولت در پادگان مرند در اعتراض به آموزش نظامی اعتصاب غذا کردند. مردم قلات شیراز مرکز تبلیغات رژیم را سنگباران کردند. کارکنان دادگستری قزوین و زنجان و آموزگاران شهرکرد اعتصاب کردند، رانندگان تاکسی و وانت بار حرکت گسترده‌ای را سازمان دادند، مردم اراک با شعار مرگ برخمینی مراسم تشییع قربانیان جنگ را به تظاهرات ضدرژیم و ضدجنگ مبدل کردند. مردم تهران انتخابات میاندوره‌ای را تحریم نمودند و اهالی شیرک فرهنگیان غرب در مقابل زورگوئی اداره برق دست به مقاومت یکپارچه و پیروزمند زدند.

پزشکان علیه سیاست قلدرمنشانه انحلال سازمان نظام پزشکی کشور، دست به اعتصابی گسترده زدند. این اعتصاب در میان اقشار مختلف جامعه و نیز در مطبوعات و افکار عمومی جهان بازتاب وسیعی یافت.

و بالاخره زندانیان سیاسی با حرکت اعتصابی خود افکار عمومی جهانیان را متوجه توحش و بربریت رژیم نموده، ضربه موثری بر پیکر آن وارد ساختند.

آری! مردم تسلیم ارتجاع نشده‌اند. مردم ما مصائب و رنجهای بی‌شمار سال ۶۵، رنج پرپر شدن ۹۰ گل نوشکفته میانه، رنج خاکستر شدن ۷۰ نوگل بروجرد، رنج قربانی شدن ۱۵ هزار دختر و پسر و پیر و جوان غیرنظامی در زیر بمباران تبهکارانه صدام، رنج مرگ زحمتکشان بغداد در زیر موشک خمینی، رنج کشتار بیش از صدهزار جوان ایرانی و عراقی در کربلاهای خمینی، رنج آوارگی میلیونها ایرانی و ... را از یاد نخواهند برد و مصممند تا از فقهای انقلاب شکن و جنگ طلب انتقام سختی بگیرند ●

پیام نوروزی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سال نو، سال صلح و شادمانی باد!

هم‌میهنان عزیز!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درآستانه نوروز باستانی فرارسیدن این عیدبزرگ ملی را به همه شما شادباش می‌گوید و آرزومی‌کندکه سال نو، سال پایان مصیبت های جنگ، سال صلح وشادکامی برای شما باشد.

با پایان سال ۶۵، رژیم خمینی سالی دیگر از عمرپرازننگ ونفرت خودرا سپری کرد. سالی با جنگ وویرانی، سرکوب واستبدادمذهبی، ورشکست اقتصادی وفلاکت اجتماعی. سالی آکنده ازخیانت آشکار به منافع ملی ومیهنی ما.

درسال ۶۵هم، برخلاف وعده‌های پوشالی رژیم، نه "پیروزی" بلکه پیکرهای غرقه بخون عزیزان مردم به خانه‌هایشان آورده شد. آتش جنگ خانمانسوز ایران وعراق بخاطراهداف تجاوزکارانه وجنگ طلبانه خمینی ودیگرسران رژیم همچنان شعله‌ور بودوقربانیان تازه‌تری را به کام خودکشید.

تنها درنتیجه بمباران شهرها، هزاران تن ازپیر وجوان وزن وکودک ما درخانه‌هایشان جان خودرا از دست دادند. درسالی که گذشت نیزدرسایه شوم حکومت خمینی گورستان ها درسراسرکشورآبادتروا ز اجسادعزیزان ما انباشته‌ترشدند.

اکنون برکمترکسی پوشیده است که مسئول ادامه جنگ ومصائب ناشی ازآن رژیم ضدملی وضدمردمی خمینی است. جنگ همچنان بهانه‌ای دردست خمینی و دیگرسران رژیم برای پایمال کردن مطالبات مردم، سرکوب نیروهای دمکراتیک وانقلابی کشور، غارت بی حساب وکتاب زحمتکشان وچپاول دارائی ها و اموال عمومی است. معامله پنهانی خمینی – ریگان که باافشای ماموریت مک فارلین درتهران ازپرده رسوایی بیرون افتاد دستگیری ضدملی رژیم خمینی را برهمگان آشکارترکرد. این رویدادهم چنین اثبات کردکه تاچه‌پایه جنگ ایران وعراق درخدمت حفظ رژیم خمینی وبسود امپریالیستها ست. جنگ ایران وعراق تنها بسوددشمنان مردم دوکشور وعلیه مصالح ملی ما ودیگرخلقهای منطقه است. از اینروقطع بلادرنگ جنگ نه تنها خواست مردم بلاکشیده ایران وعراق بلکه مطالبه همه محافل ضدامپریالیست وترقی خواه منطقه وسراسرجهان است. خواست صلح، عمومی‌ترین خواست همه اقشار و طبقات خلق درجامعه ماست. می‌توان وبایدعلیه جنگ متحدشویم وجنبش نیرومندصلح را با وادارکردن رژیم جنگ افروزخمینی به پذیرش بلاقیدوشرط صلح وحل اختلافات فی‌مابین ازراههای مسالمت آمیز به پیروزی رساند.

هم‌میهنان عزیز!

استبدادآخوندی که بنام "ولایت فقیه" برکشور سیطره دارد کوچکترین جایی برای حقوق دمکراتیک وآزادیهای سیاسی باقی نگذاشته است. سرکوب خونین احزاب وسازمانهای ضدامپریالیست دمکراتیک وانقلابی، زندان وشکنجه واعدام بهترین فرزندان خلق، سلب حق تشکیل سندیکاها و انجمن های صنفی ازکارگران، دهقانان، کارمندان معلمان، دانش آموزان ودانشجویان، زنان و جوانان، پرسنل نیروهای مسلح، ولگدمال کردن آزادی بیان وقلم ومطبوعات وصدها وهزاران جنایت دیگراز این دست نموداراختناق وحشتناک حاکم برکشوراست. اعمال ستم وسرکوب علیه خلقهای تحت ستم کشور و اقلیت های مذهبی باشدت تمام ادامه دارد. استبداد مذهبی شبه قرون وسطایی نه‌تنها حقوق وآزادیهای اجتماعی را پایمال کرده است بلکه ابتدائی‌ترین حقوق وآزادیهای افرادجامعه را نیزازبین برده است. حریم زندگی خصوصی مردم ازدستبردحکام جمهوری اسلامی درامان نیست. رژیم خمینی، ایدئولوژی مذهبی را برتمام شئون زندگی سیاسی اجتماعی وفرهنگی جامعه باخشونت تمام حاکم ساخته وجزاندیشه حکام مرتجع، هیچ اندیشه‌ای در جامعه حق حیات ندارد. کاربجایی رسیده است که جشن چهارشنبه‌سوری، عیدنوروزومراسم سیزده‌بدر و دیگریادگارهای اصیل فرهنگ ملی ما ونیزهمه آثارادب وهنرملی ومردمی ما آشکارا توسط سران رژیم تحقیرمی‌شودوبجای آن جهل وخرافات و وحشیگری، بی‌فرهنگی وهنرستیزی اشاعه یافته و موردتقدیس قرارمی‌گیرد. عزم این رژیم آنست که هیچ خانواده‌ای نباشدکه عزادارنباشد. این رژیم ازجشن وشادی مردم، ازتازگی وطراوت زندگی متنفراست، ارتجاع حاکم برفرازکشورما گردمرگ می‌پاشد. می‌توان وبایدعلیه استبدادمذهبی، جهل وخرافه‌پرستی متحدشویم وبه نیروی رزم استوار ویکپارچه خود، رژیم ضدملی، فرهنگ ستیز "ولایت فقیه" راسرنگون وبه زباله‌دان تاریخ افکنیم.

کارگران! دهقانان! زحمتکشان!

ارمغان رژیم جمهوری اسلامی برای شما جنگ و ویرانی، سرکوب واختناق، گرسنگی وبیکاری است. دررژیم جمهوری اسلامی تنها ملایان به مسندنشسته، کلان تاجران وبزرگ مالکان وصاحبان سرمایه و ثروت اندکه با استثمار وچپاول شما فربه‌ترمی‌شوند. رژیم خمینی به طبقات ارتجاعی، به زالوهای اجتماع، به مشتی غارتگرداخلی تکیه داردوبنا بر ماهیت خودازمنافع بزرگ مالکان، تجاربزرگ و کلان سرمایه داران پاسداری کرده ودرجهت مقاصد ضدملی وضدمردمی آنان درراه زدوبندوهمدستی با امپریالیسم جهانی ورژیم های ارتجاعی منطقه و جهان اهتمام می‌ورزد. احیاء آقائی جابرانه خوانین وبزرگ مالکان درروستاها، بازگرداندن کارخانجات مصادره شده وفروش واحدهای بزرگ ملی شده به کلان تاجران، تبدیل بازارهای کشور به عرصه غارتگری تجاربزرگ وتحکیم بندهای وابستگی اقتصادی کشوربه امپریالیسم انعکاس این واقعیت است. اکنون کارخیانت این رژیم به اهداف ضدامپریالیستی، مردمی وعدالت خواهانه انقلاب مردم ایران به آنجاکشیده است که خمینی ودیگرسران رژیم به بندوبست ضدملی خودبا دشمن اصلی خلقهای ایران وجهان، یعنی امپریالیسم امریکا آشکارا فخرمی‌فروشند. خواست ها وآرزوهای شما دایربرتامین صلح، آزادی، استقلال، پیشرفت و عدالت اجتماعی تنها با مبارزه متشکل درراه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تحقق می‌یابد.

ازقدیم گفته‌اندچاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. شما کارگران وزحمتکشان کشورباید بدانیدکه کارگران ورنجبران متفرق هیچ نیروئی نیستنددرحالیکه کارگران متشکل آن قدرت عظیم سیاسی واجتماعی هستندکه قادرندبنای ظلم وستم استثمار وبی عدالتی را برافکنندوهمانگونه که در ۳/۱جهان توانستند، قدرت سیاسی را به چنگ آورده وجامعه متکی برعدالت اجتماعی یعنی سوسیالیسم را بنا نهند.

کارگران! متشکل شویدوبهروسیله ممکن سندیکاها وشوراهای واقعی خودرا بوجودآورید. در انتخابات شوراهای کارگری با تمام نیروشرکت کنیدوبا همه ابتکارات بکوشیدکه نمایندگان واقعی شما اداره شوراها را دردست بگیرند.

کارگران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان سیاسی طبقه کارگرایران است. ازمبارزات سازمان خودپشتیبانی کنید! برای تحقق خواستها وآرزوهای خودبه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید!

نیروهای انقلابی، دمکراتیک وترقیخواه کشور!

شرط وفاداری به مردم وپایبندی به آرمان رهائی بخش آنان جستجوی راههای پیروزی پیکار خلق علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. تجربه تاریخی خلق ما وخلقهای سراسرجهان می‌آموزد که تنها درصورتیکه همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک وترقیخواه علیه دشمن مشترک متحد شوندقادرنددشمن را درهم شکنند. اتحادرزمجویانه درراه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بخاطرنیل به صلح وآزادی وترقی اجتماعی نه تنها امکان داردبلکه یک ضرورت مبرم وتاخیرناپذیردرشرایط کنونی است.

درآستانه سال نو، ما باردیگرهمه نیروهای انقلابی، دمکراتیک وترقیخواه کشوررا به اتحاد رزمجویانه علیه ارتجاع وامپریالیسم فرا می‌خوانیم.

هم‌میهنان عزیز!

نوروزازراه‌رسیده است باشکوفه‌ها وسرسبزی بهاران، دست پربرکت طبیعت برسراسرزمین نگین گل نشانده است، ودست پرنکبت خمینی داغ عزیزان بردلمان زده است. یادشهداراگرامی بداریم واز خاطره تابناک آنان وثیقه‌ای برای نبرد آشتی ناپذیربا رژیم خمینی بسازیم.

رژیم ولایت فقیه باجنگ وویرانگری، سرکوب و کشتار، بیکاری وگرانی، آوارگی وگرسنگی، شادی وطراوت نوروزی راازمردم دورمیکند. امروز برگزاری جشن نوروزی مشت محکمی است بردهان ارتجاع. نوروزراهرچه‌پرشکوه‌تربرگزارکنیم و صفوفمان رادرراه دستیابی به صلح وآزادی فشرده‌ترسازیم. مبارزه خلق درراه سرنگونی جمهوری اسلامی پیروزخواهدشد.

نوروزتان پیروز باد!

کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۹ اسفندماه ۱۳۶۵

کو "پیروزی"؟

بقیه ازصفحه اول

وسال "پیروزی نهایی" ازهیچ تلاشی فروگذارنکرده وهرآنچه‌توانستند، کردند. آنها سال گذشته درده‌ها عملیات بزرگ وکوچک، دهها هزارتن را قربانی‌کردند. آنها به‌جنگ کثیف شهرها وبمباران وگلوله‌باران مردم‌غیرنظامی دامن زدند. کارخانجات، موسسات مدارس ودانشگاهها وبیمارستانها را ویران کردند و هزاران کودک وزن ومردبیدفاع راقتل عام‌کردند.

آنها خسارات وویرانیهای جنگ راازمرز ۵۰۰ میلیارددلارگذراندند، هرکس راکه‌توانستند، گرفتند وبه‌جبهه‌بردند، تمام‌دستگاه‌سرکوب وستم‌وفریب خودرا برای شکارجوانان وزحمتکشان واجرای نقشه "بسیج یک میلیونی" به‌حرکت انداختند. اعزام به جبهه‌ها رااجباری کردند. سهمیه‌بسیج کارخانجات وادارات رااز ۲درصدبه ۲۰درصدرسانیدند. درهمه‌جا ستادهای پشتیبانی ازجنگ برپاکردند. کارگران وکارمندان را دسته‌دسته‌بزوروروانه جبهه‌ها کردند. دانش‌آموزان راگروه‌گروه‌ازکلاسها بیرون کشیده وبه‌قتلگاه‌فرستادند. فعالیت دانشگاهها را برای کشاندن دانشجویان به‌جبهه‌ها مختل کردند. برخدمت سربازی دوماه افزودند، برای جلوگیری ازفرار وسیع‌سربازان ومشمولین قوانین سرکوبگرانه‌ای وضع‌کردند. عمال مسلح خودرا برای سربازگیری‌در هرجا به‌جان مردم‌انداختند. باتوسل به‌چنین اقداماتی صدها هزارنیرودرجبهه‌ها گردآوردند.

برای دست‌یابی به "پیروزی"، دست به‌دامان "امدادهای غیبی" شیطان بزرگ شدند. درخفا با ریگان وکارگزاران وی ساخت وپاخت کردندو میلیونها دلاراسلحه‌خریدندوبدین ترتیب آنچه‌که درتوان داشتند، بکاربردندتا "پیروزی نهایی" به دست‌آید. اما "سال سرنوشت"، "سال پیروزی‌نهایی" به‌پایان رسیدوجنگ درجبهه‌ها همچنان دربن بست باقی مانده‌است وجزاین نیزنمی‌توانست بشود.

رژیم‌خمینی سالهاست که‌می‌کوشدمردم‌را با سراب "پیروزی" بفریبد.

زمانی عملیات "والفجر" را عملیات نهایی اعلام کردند، اما این تهاجمات به‌شماره ۹رسیدوازپیروزی خبری نشد. "والفجر۹" خودبه‌عملیات کربلاتقسیم‌شد وکربلاها نیزبه‌شماره ۷رسیدوبازهم‌ازپیروزی خبری نشد. اکنون سران رژیم‌بازهم‌لاف وگزاف های گذشته راتکرارمی‌کنند، خودرا برای کشتارهای بزرگتر وویرانیهای بیشترآماده‌می‌سازندوبازهم‌بیشرمانه از "پیروزی قریب الوقوع" سخن می‌گویند.

ما بارها گفته‌ایم‌ویکباردیگردراوج رسوایی وعده‌های دروغین رژیم‌می‌گوئیم‌که‌این جنگ ارتجاعی پیروزی ندارد‌ونمی‌توانسته باشد. این جنگ تنها کشتارو‌ویرانی وبیکاری وگرسنگی است. خمینی دررویای برقراری خلافت جهانی خودفتح بغداد را دیده‌است. تجاروغارتگران می‌خواهندغارتگری وچپاول واحتکاررا گسترش دهندوکیسه‌های خودرا پرپول‌ترسازند. اما توده‌های مردم، کارگران وزحمتکشان ازفتح بصره وبغداد چه‌نصیبی می‌برند؟ آنها خواهان صلح، دوستی بین ایران وکشورهمسایه خودوخواهان آرامش وشکوفایی میهن خویشند. پیروزی واقعی مردم، سرنگونی این رژیم‌تبهکار وجنگ افروزاست.

برای پایان دادن به‌جنگ وسرنگونی رژیم‌خمینی تنها مخالفت، مقاومت منفی ومبارزه‌پراکنده وفردی کافی نیست. دیوجنگ واستبدادرا تنها با مبارزه‌فداکارانه‌وتوده‌ای میتوان به‌زانودرآورد. اگرمی‌خواهیم‌که‌کودکانمان درکنج خانه‌ومدرسه‌در آتش بمبها نسوزند، اگرمی‌خواهیم‌سفره‌هامان‌خالیتر نشودوفقروبیکاری وگرسنگی به‌مرگ تدریجی دچارمان نکند، درمبارزه‌پیشقدم‌شویم‌وبااعتصاب وتظاهرات، بااتحادوهمبستگی به‌مقابله‌با جنگ ورژیم‌برخیزیم. آنچه‌که‌تاکنون شده‌است، برای مهارجنگ کافی نیست. بایدمبارزه‌را تشدیدکرد. برای تشدیداین مبارزه‌نیزسازمان سیاسی انقلابی آگاه‌وفداکاروفاداربه‌مردم، که‌بتواننداین‌مبارزه را رهبری کندلازمست.

گردسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) متشکل شویدورهنمودهای آنرادرمبارزه‌علیه‌جنگ ورژیم‌به‌کاربندید. بیاییدامسال رابه‌سال پیکارهای بزرگ برای قطع‌جنگ ودرهم‌شکستن رژیم‌خمینی بدل کنیم. این یگانه‌راه‌نجات وپایان دادن به‌اینهمه کشتاروویرانی وفقروگرسنگی است ●

لایحه بودجه سال ۱۳۶۶ که در هفتم دی‌ماه به مجلس ارائه شده بود، در اواخر اسفندماه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم خمینی ضمن تقدیم لایحه بودجه به مجلس طبق معمول سخنانی ایراد کرد. سخنان وی این بار نیز تکرار همان حرف‌های سابق بود. اما آنچه جدید بنظر میرسد این است که به برکت رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی اوضاع اقتصادی کشور آنچنان آشفته و وخیم است که حتی رئیس دولت خدمتگزار آخوندها و سرمایه‌داران از ارائه شاخص‌های کلاسیک به بهانه بزرگی موفقیت‌ها و در حقیقت فاجعه‌بار بودن اوضاع طفره می‌رود. او می‌گوید: "امسال طبیعی است که مجلس محترم از دولت شاخص‌های کلاسیکی که هرسال به هنگام تقدیم لایحه بودجه ارائه می‌شود را به عنوان کارنامه خدمتگزاری مردم نطلبد". او برنامه شرایط نوین اقتصادی را "در راس توفیق‌هایی که در صحنه اقتصادی در سال ۶۵ بدست آمده است" قلمداد کرد. اما واقعیت این است که برنامه مذکور چیزی جز طرح فلاکت نوین اقتصادی نیست.

محور اصلی فعالیت رژیم و به تبع آن رقم اصلی هزینه‌های دولت در بودجه سال ۶۶ را جنگ تشکیل می‌دهد. به منظور ادامه جنگ، نظامی‌کردن کل اقتصاد کشور هدفی است که مدتهاست توسط رژیم خمینی دنبال می شود. در این راستا بنا به اعتراف سردمداران رژیم بیش از نیمی از بودجه کشور مستقیما به جنگ اختصاص یافته است. اما این تنها یک گوشه از "واقعیت" است. اختصاص بخش بزرگی از بودجه وزارتخانه‌های مختلف و تعداد زیادی از واحدهای تولیدی و خدماتی به امور جنگی و طرح ریزی برنامه‌های طولانی مدت برای میلیتاریزه‌کردن کل اقتصاد کشور جنبه دیگر واقعیت‌های موجود است. موسوی اعتراف می‌کند که: "درحال حاضر تنها حدود ۱۰۰۰ طرح و پروژه مرتبط با نیازهای نظامی از طریق کمیسیون پشتیبانی صنعتی و مهندسی جنگ درحال انجام است." او سپس برخی اقدامات مشخص را می شمارد و از احداث ۱۵۰۰ کیلومتر راه، ترمیم ۱۱۰۰ کیلومتر جاده‌های موجود جهت استفاده‌های نظامی، بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر آسفالت گرم، احداث بیمارستان‌های بتونی صحرایی و دهها طرح صنعتی جنگ اسم می‌برد. طبیعی است که نیروی انسانی عظیمی نیز بجای انجام کارهای عمرانی و تولیدی جهت انجام این طرح‌های نظامی به خدمت گرفته می‌شوند. او می‌گوید: "با اجرای این طرح‌ها حجم وسیعی از ظرفیت صنعتی کشور به خدمت جنگ گرفته شده است. اینک بجز چندهزار اعضای جهاد سازندگی، حدود ۲۰ هزار نفر از وزارتخانه‌های مختلف در منطقه عملیات بطور مستمر در امور مهندسی جنگ خدمت می‌کنند". البته این امر شامل حال مدیریت صنعتی نیز می‌شود و "حضور مدیریت دولتی در بخش‌های وسیعی از امور مهندسی و جنگ، برای جنگ و برای تشکیلات کشور بسیار سازنده می‌باشد"! او با وقاحت تمام برباددادن امکانات مادی و انسانی میهن ما را در کوره‌های جنگ جنایتکارانه برمی شمارد و از افتخارات دولت خود بشمار می‌آورد. البته این همه تنها شامل جنگ فعلی نیست و خواب‌هایی برای بعد از جنگ نیز دیده شده است. او می‌گوید که رژیم "...پس از جنگ نیز با همین جدیت به تولید و تحقیق، به‌ویژه در زمینه ساخت سلاح‌های پیچیده ادامه خواهد داد".

هزینه‌های دستگاه عریض و طویل اداری ـ پلیسی رژیم درحقیقت دومین و بزرگترین رقم را بعد از هزینه‌های جنگ تشکیل می‌دهد. از این هزینه مطلقا صحبتی نشده است. وجود دو دستگاه اداری به موازات هم، دستگاه امنیتی و پلیسی چندگانه و گسترده و تامین مخارج دهها هزار آخوندی که سرتاسر این دستگاه را در قبضه قدرت خود گرفته‌اند، بخش بزرگی از درآمد میهن ما را بخود اختصاص داده است. نخست وزیر خمینی هیچ سخنی از این رقم نمی‌گوید، اما ۶۲۰ میلیارد ریال "صرفه‌جویی" از اعتبارات حداقل مصوبه مجلس برای سال گذشته را جزو افتخارات دولت به حساب می‌آورد. او می‌گوید: "مجلس... سال گذشته یکی از انقباضی‌ترین بودجه‌های کشور را به تصویب رساند، درحالی که درصورت هزینه شدن تمام بودجه‌های مصوب، بخش‌های مختلف تنها به حداقل اعتبارات مورد نیاز برای گردش چرخ‌های خود دست می‌یافتند، دولت ۶۲۰ میلیارد ریال نیز صرفه‌جویی کرده است". این صرفه جویی درصورت تصویب حداقل اعتبارات بفرض اینکه حتی ادعای صحیحی باشد، تنها با انتقال بار هزینه‌های دستگاه اجرایی از طریق افزایش نرخ خدمات دولتی ارائه شده به مردم، بالابردن قیمت تولیدات و اخاذی‌های دولتی به حساب مردم و اخراج وسیع کارگران و کارمندان بخش دولتی امکان پذیر است. به بیان ساده گرانترشدن هزینه درمان بیمارستانهای دولتی، افزایش مقدار شهریه مدارس، بالارفتن قیمت آب و برق و ذهاب و غیره به حساب زحمتکشان.

بحران اقتصادی تشدید میشود

بالاخره پس از کسر هزینه‌های جنگ و مخارج جاری دولت، اگر چیزی از بودجه دولت مانده باشد به هزینه‌های عمرانی اختصاص خواهد یافت. مقدار این رقم مرتبا در طول زمامداری رژیم ولایت فقیه کاهش یافته است. البته باید توجه کرد که بخش بزرگی از همین مبلغ نیز به انجام طرح‌های مربوط به جنگ اختصاص می‌یابد. ایجاد راه‌ها و پل‌های جدید در مناطق جنگی، ساختمان بیمارستان‌های صحرایی و غیره به حساب بودجه عمرانی گذاشته می‌شوند. جالب این جاست که موسوی ادعا می‌کند که تا آخر آذرماه سال ۶۵ رقم بیشتری از آنچه که مصوبه مجلس بوده است، در عمران هزینه شده است. این ادعا با توجه به کاهش شدید درآمدهای دولت، افزایش هزینه‌های جنگ، بوجود آمدن هزینه‌های غیرقابل پیش بینی مثل خرابی‌های ناشی از جاری شدن سیل و تخریب مراکز اقتصادی بر اثر بمباران‌ها و غیره تنها دروغی آشکار است.

حال در مقابل اینهمه هزینه‌های سرسام آور نظری به منابع درآمد دولت بیاندازیم. دو منبع اصلی درآمد دولت را نفت و مالیات‌ها تشکیل می‌دهد. درآمد نفت به دلیل کاهش شدید قیمت آن (به خصوص در چندماه آخر سال ۶۵) و نیز مشکلات صدور، طبق اظهارات سردمداران رژیم به کمتر از یک سوم کاهش یافت. به این ترتیب خودبخود مالیات‌ها نقش بیشتری را در درآمدها بخود اختصاص میدهد.

سهم مالیات‌ها در کل درآمدهای بودجه عمومی کشور از رقم ۱۹ درصد در سال ۵۶ به ۵۶/۲ درصد در سال ۶۵ رسید و در سال ۶۶، ۷۲/۴ درصد درآمدها را تشکیل خواهد داد. با توجه به اینکه آن بخش از درآمدهای مالیاتی که مستقیما وابسته به درآمد نفت است، خودبخود با کاهش این درآمد، افت خواهد کرد و از آنجا که طبق اعتراف نخست وزیر، "قانون کارسازی برای دریافت مالیات از ثروتمندان وجود ندارد"، لذا بار اصلی مالیات همچنان بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی خواهد کرد. نخست وزیر از رشد ۱۱ درصدی مالیات‌های مستقیم و کاهش ۳ درصدی مالیات‌های غیرمستقیم صحبت می‌کند. بفرض محال اگر حتی این ارقام درست باشند، ابعاد خیانت رژیم ولایت فقیه آنچنان گسترده است که هیچ تغییر جدی را در عمل بوجود نخواهد آورد. کافیست به ارقام زیر توجه شود: طبق ارقام ذکر شده در کیهان هوایی ۷ آبان ماه ۶۵، در طی سال‌های ۶۱ـ۵۷ در مقابل رشد مالیاتهای غیرمستقیم به مقدار ۱۲/۸ درصد، مالیات‌های مستقیم تنها ۲/۳ درصد رشد داشته‌اند. همین منبع اعتراف می‌کند که در همین فاصله زمانی مالیات بر شرکت‌های خصوصی ۲/۲ درصد و مالیات بر شرکت‌های خصوصی و دولتی بطور متوسط سالانه ۳/۴ درصد کاهش یافته است. بالاخره با درنظرگرفتن این واقعیت که مالیات‌های مستقیم تنها اندکی بیش از یک سوم کل درآمدهای مالیاتی را تشکیل می‌دادند، تغییرات ادعایی رئیس دولت درصورت صحت نیز آنچنان تغییری در اوضاع ایجاد نخواهد کرد.

با وجود تمامی این تمهیدات بودجه دولت با کسری فزاینده‌ای مواجه بوده است. در بودجه سال ۶۵ پیش بینی شده بود که میزان کسری بودجه ۴۹ میلیارد تومان خواهد بود ولی در عمل درآمدهای رژیم به میزان شدیدی کاهش یافت و کسری بودجه به رقم ۱۴۵ میلیارد تومان یعنی به حدود نصف کل بودجه رسید. در بودجه سال ۶۶ نیز میزان کسری بودجه حدود ۱۴۰ میلیارد تومان پیش بینی شده است. برای جبران این کسری رژیم به دریافت وام از سیستم بانکی متوسل شده است. معنی ساده آن هم یعنی چاپ بدون پشتوانه اسکناس و بی اعتبارکردن پول کشور یعنی گرانترشدن کالاها و خدمات و کاهش درآمد واقعی حقوق و مزدبگیران و غیره.

حال نگاهی مختصر به پیامدهای بودجه تنظیمی دولت بیاندازیم. دولت قادر به انجام اقدامات عمرانی نخواهد بود. در واقع نیز با گذاشتن بار هزینه‌های عمرانی بر دوش زحمتکشان تحت عناوین مشارکت بانک‌ها، خودیاری مردم و غیره، دولت گریبان خود را از چنین هزینه‌هایی خلاص می‌کند. طبیعی است که در این میان چیزی بایستی به سرمایه‌داران برسد. برای نمونه می توان واگذاری ساختمان آزادراهها به بخش خصوصی با حق دریافت عوارض عبور بمدت نامحدود را ذکر کرد.

بهای خدمات دولتی افزایش خواهد یافت. این امر با توجه به بیکاری زیاد و تورم وحشتناک به معنی محرومیت بخش عمده حقوق و مزدبگیران از استفاده از هرگونه خدمات درمانی، رفاهی و غیره است.

کشاورزی برمبنای برنامه شرایط نوین اقتصادی در درجه دوم اهمیت قرار داده شده است. رژیم جمهوری اسلامی با سیاست‌های ضددهقانی عملا کشاورزی میهن ما را در آستانه نابودی قرار داده است. پس گرفتن زمین‌های دهقانان و دادن آنها به فئودال‌ها و یا اوقاف (حتی زمین‌هایی که در زمان رژیم سابق به دهقانان فروخته شده بود)، کمبود و گرانی وسایل کشاورزی و کود شیمیایی، بازدهی بسیار پائین کشاورزی ایران نسبت به کشورهای پیشرفته و عدم توانایی آن در رقابت با محصولات خارجی، عدم حمایت دولت از تولیدات داخلی و تکیه بر واردات مواد غذایی بجای گسترش تولید آن در داخل بعلت بی دردسر بودن آن و غیره از عواملی بودند که دهقانان رنجدیده میهن ما را به ورشکستگی و گرسنگی کشاند. بنا به اعتراف مسئول آمارگیری جهاد سازندگی حدود یک چهارم روستاهای کشور خالی از سکنه شده است.

اینک با کاهش درآمدهای ارزی تامین حداقل مواد غذایی مورد نیاز مردم نیز با مشکل مواجه شده است. سران رژیم با بوق و کرنا خودکفایی کشاورزی را علم کرده‌اند. موسوی مدعی است که تولیدات کشاورزی در سال ۶۵ رشدی معادل ۲/۶ درصد داشته است. حتی اگر این ادعای دروغ را درست فرض کنیم اولا چنین آهنگ رشدی قادر به جبران عقب‌ماندگی‌های وحشتناک کشاورزی ما نیست و ثانیا با رشد ۳/۵ درصد سالانه جمعیت کشور در مقابل ۲/۶ درصد رشد بخش کشاورزی، ضرورتا از یکطرف واردات مواد غذایی را افزایش خواهد داد و از طرف دیگر مردم را وادار به تحمل هرچه بیشتر گرسنگی خواهد نمود. بنابراین ادعای مربوط به کاهش واردات محصولات کشاورزی نیز دروغی بیش نیست.

ورشکست شدن تولیدکنندگان و توزیع کنندگان خرده به دلیل وابستگی آنان به واردات و تولیدات واحدهای داخلی در شرایط کاهش این عوامل امری طبیعی است. این سرنوشت هم اینک زندگی بخش بزرگی از هم میهنان ما را تهدید می‌کند. بودجه سال ۶۶ نیز تنها نوید تسریع این روند را میدهد.

خلاصه کنیم، گرانی بیشتر، افزایش بیکاری بصورت آشکار و پنهان که هم اینک بیش از ۴۰ درصد نیروی کار را دربرمیگیرد، تعطیل شدن بخش بیشتری از واحدهای تولیدی، تخریب شدیدتر کشاورزی، کمبود مواد غذایی، نظامی کردن هرچه بیشتر اقتصاد کشور، تشدید وابستگی کشور به کشورهای امپریالیستی و در یک کلام تشدید بحران اقتصادی، دستاورد بودجه و برنامه اقتصادی سال ۶۶ رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی خواهد بود ●

منتشر شد

شماره ۱۳ نشریه "آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیزم" با مطالب زیر منتشر شد:

ـ مسائل چشمگیر کنونی در تحلیل سرمایه‌داری.
ـ چشم‌انداز انقلابی ـ دمکراتیک: برخی وجوه از تحلیل دوران گذار
ـ مرحله کنونی مبارزه دمکراتیک ـ ضد امپریالیستی
ـ حزب کمونیست و مردم

* * *

انتشار کتاب "استراتژی اتحادهای طبقاتی"

اولین شماره از مجموعه "مسائل مبرم تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم" بنام "استراتژی اتحادهای طبقاتی" منتشر شد. این کتاب توسط پرفسور ک. و. دادلازوف، رئیس کرسی جنبش بین المللی طبقه کارگر در آکادمی علوم اجتماعی جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشته شده است.

در پیشگفتار این کتاب آمده است:

کتاب حاضر اصول لنینی تشکیل اتحادهای وسیع اجتماعی در مبارزه انقلابی طبقه کارگر را تشریح می‌کند و تجربه حزب بلشویک در تلاش‌های اتحادطلبانه پرولتاریا و استراتژی سیاسی و تاکتیک احزاب کمونیست در راه تشکیل جبهه مستحکم ضد انحصاری و ضدامپریالیستی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در این کتاب همچنین مبرم ترین مسائل سیاست اتحادهای کمونیست‌ها در کشورهای پیشرفته سرمایه داری عصر حاضر بررسی می‌شود.

عناوین کتاب:

ـ اتحادهای اجتماعی در مبارزه انقلابی: تجربه تاریخی و جهان معاصر
ـ استراتژی اتحادهای طبقاتی پرولتاریا در دوران گذار انقلابی از سرمایه داری به سوسیالیزم
ـ صحنه اتحاد و مبارزه (حزب کمونیست و اتحاد سیاسی نیروهای چپ ـ درس‌های تاریخ و تئوری)
ـ آیا "توافق تاریخی" (سازش) میان پرولتاریا و بورژوازی مقدور است. نقد نظرات اپورتونیستی
ـ اصول پارلمانتاریسم انقلابی
ـ کمونیست‌ها و جنبش‌های دمکراتیک نوین

در تدارک جشن اول ماه مه

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان فرا می‌رسد. در این روز، در چهار گوشه جهان بانگ رسای همبستگی و وحدت رزمنده کارگران علیه سرمایه داری، امپریالیسم و ارتجاع طنین افکن می‌شود. در این روز طبقه کارگر جهانی یکبار دیگر میثاق همبستگی ظفرنمون خود را برای پایان دادن به استثمار، ستم، جنگ و نابرابری اجتماعی تجدید می‌کند.

سنت انقلابی گرامیداشت اول ماه مه از بدو پیدایش آن تاکنون همواره پیوند کارگران جهان را از هر نژاد، جنس، ملیت و فرهنگ مستحکم‌تر کرده و مرگ محتوم اردوی سرمایه را بشارت داده است. کارگران جهان در این روز با تکیه بر دستاوردهای جهانی جنبش کارگری – کمونیستی، مبارزه خویش را غنا و گسترش داده و تلاش می‌کنند با همبستگی و وحدت طبقاتی خود، راه پیروزی های سرنوشت ساز آتی را بگشایند و اردوی سوسیالیسم جهانی را گسترش دهند.

کارگران ایران نیز که بنا به سنت دیرینه خویش، این روز بزرگ را گرامی داشته‌اند، در سالهای اخیر نیز همواره تلاش کرده‌اند اول ماه مه را به روز تجلی همبستگی خود در مبارزه علیه استثمار، ستم، جنگ و بی‌عدالتی بدل کنند.

امسال، کارگران و زحمتکشان میهن ما در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که بحران سراپای جامعه جنگ زده ما را فرا گرفته است. بند و بست های مفتضحانه جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا، ادامه جنگ خانمانسوز، سرکوب آزادی‌های دمکراتیک، اخراج های توده‌ای کارگران، بیکاری و گرانی کمرشکن، شرایط زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان را دشوارتر کرده است. رژیم با استفاده از این شرایط، مذبوحانه می کوشد طبقه کارگر ایران را از ادامه مبارزه برای حفظ و تحکیم این سنت اصیل مبارزاتی باز دارد. رژیم فقها که رژیم سرمایه داران است، تمام امکاناتش را برای بی اعتبار کردن این عید کارگری بکار گرفته است. رژیم برای جلوگیری از برگزاری مستقلانه این جشن توسط کارگران، به نمایشهای فرمایشی دست زده و تلاش کرده است با سوق دادن آن در جهت تبلیغات جنگ طلبانه و ضدمردمی، این جشن را از مضمون انقلابی و طبقاتی اش تهی کند. اما بخش بزرگی از کارگران با امتناع از شرکت در مراسم فرمایشی رژیم، با برگزاری مستقلانه این جشن در واحدهایشان، با تجلیل آن در محدوده محافل خود و حتی با جشن گرفتن در منازل خود، با ردیگر نشان دادند که این عید نه عید سرمایه داران و فقها بلکه عید کارگران و زحمتکشان است.

چگونگی برگزاری جشن اول ماه مه در واحدهای مختلف، قبل از هر چیز به وجود سنت و سابقه برگزاری این مراسم و نیز به توان سازمانگرانه کارگران پیشرو و فعال آن واحدها بستگی دارد. کارگران پیشرو و هسته های مخفی کارگری باید همه توان خود را برای تدارک موفقیت آمیز این جشن بکار گیرند. شرط مقدم این موفقیت، سازماندهی آن یعنی ایجاد کمیته های برگزاری جشن اول ماه مه در هر واحد است. این کمیته ها باید توده‌های کارگر و زحمتکش هر واحد را به شرکت فعالانه در برگزاری جشن تشویق کنند. بسیج توده کارگران برای شرکت در جشن کارگری، مستلزم استفاده از تجارب گذشته و ابتکارات جدید است. کمیته‌های برگزاری جشن باید کمیته‌های ورزشی کارخانجات را برای برگزاری مسابقات جام کارگر فعال کنند و در صورت نبود یک چنین کمیته‌ای، کارگران را بویژه کارگران جوان و ورزش دوستان را به برگزاری یک چنین مسابقاتی دعوت کنند. باید همه مراسم سنتی برگزاری این جشن از قبیل تجلیل از کارگران قدیمی و خدمتگزار، تبادل هدایا، برگزاری سخنرانی هایی در معرفی مناسبت این روز و مضمون واقعی آن و طرح مهمترین مطالبات و شعارهای صنفی و سیاسی خود، بنحو مقتضی انجام گیرد. مبارزه علیه جنگ و اخراج توده‌ای کارگران و مبارزه علیه سرکوب، برای حقوق دمکراتیک کارگران و آزادیهای سیاسی، دو محور اصلی افشاگری و تبلیغ شعارهای کارگری امسال است. فعالین کارگری سازمان باید فراخوان ها و شعارهای سازمان به مناسبت صدمین سالگرد اول ماه مه (مندرج در کار ۲۶) و چگونگی تلفیق مبارزات توده‌ای کارگران با شعار صلح و آزادی (مندرج در کار ۲۸) را در توده کارگران تبلیغ کرده و برایشان توضیح دهند.

به این ترتیب وظایف هسته های مخفی کارگری و کارگران پیشرو و آگاه و فعالین جنبش توده‌ای کارگری برای تدارک موفقیت آمیز این جشن عبارتند از:

۱– تشکیل کمیته برگزاری جشن اول ماه مه در همه واحدهای تولیدی و خدماتی اعم از کوچک و بزرگ و تلاش برای هماهنگی این کمیته‌ها در مقیاسی فراتر از یک واحد (در سطح رشته‌ها و واحدهای همجوار)

۲– تحریم مراسم فرمایشی رژیم و برگزاری مستقلانه جشن در همه واحدها با شرکت فعالانه کارگران و زحمتکشان.

۳– طرح خواست قطع فوری جنگ و برقراری آتش‌بس

۴– طرح شعار انحلال انجمن های اسلامی.

۵– طرح مطالبات اساسی توده کارگران (قانون کار دمکراتیک، حق کار و امنیت شغلی، حق تشکل مستقل صنفی و ...) افشای سیاستهای ارتجاعی و ضدکارگری رژیم.

۶– خواست قطع اخراج های گروهی، تامین حق بیمه بیکاری، بازگشائی واحدهای تولیدی تعطیل شده.

۷– تلاش برای صدور و ارسال پیامهای همبستگی با کارگران و زحمتکشان جهان و حمایت از مبارزات حق طلبانه آنها و نیز جلب پشتیبانی و حمایت آنها از مبارزات عادلانه زحمتکشان ایران.

۸– انعکاس هرچه گسترده‌تر شعار: گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان ●

روزکارگر را هرچه باشکوهتر برگزار کنیم

کارگران مبارز!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داری، امپریالیسم و ارتجاع است. رژیم خمینی حکومت سرمایه داران و دشمن طبقه کارگر است. رژیم به هر توطئه‌ای متوسل می شود تا جشن اول ماه مه عید کارگری را بی اعتبار سازد.

با تحریم گردهمایی های فرمایشی و برگزاری مستقلانه این جشن، توطئه رژیم را خنثی کنید.

برای رسمیت بخشیدن به تعطیلی روز کارگر مبارزه کنید.

برای بزرگداشت روز کارگر، در واحدهایتان "کمیته برگزاری جشن اول ماه مه" را تشکیل دهید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای بسط نفوذ سازمان در نیروهای مسلح بکوشیم

شش سال و نیم جنگ خونین و کشتار صدها هزار سرباز، درجه دار افسر جزء، سپاهی و بسیجی، تنفر پرسنل زحمتکش و میهن پرست نیروهای مسلح را برانگیخته است. این یک اصل تجربه شده است که "هر قدر انزجار مردم از رژیم عمیقتر باشد، به همان اندازه ارتش نا مطمئن تر عرض وجود می‌کند". با گسترش مبارزات مردم و اعتراض و مبارزه پرسنل، نیروهای مسلح ابزار مطمئنی در دست رژیم باقی نخواهد ماند. تاثیرات سیاسی و آگاهی دهنده انقلاب بهمن بر پرسنل، بی جواب ماندن مطالبات دمکراتیک آنها، تلاش رژیم برای استقرار خشن نظام اطاعت کورکورانه در نیروهای مسلح و کوبیدن بر طبل جنگی که بخش ثابتی از قربانیان رسمی خود را از میان نظامیان می‌گیرد، دخالت روحانیت در امر فرماندهی واحدهای نظامی و تلاش برای اسلامی کردن سیستم نظامی کشور و اجرای "طرح نوین ارتش" دیگر اجزاء مهم بحران درونی نیروهای مسلح را تشکیل می‌دهند.

هرچند رژیم می‌کوشد با سرکوب خشن، مبارزات نیروهای مسلح را از مردم پوشیده نگهدارد، اما واقعیت این است که این مبارزه جریان دارد و رژیم نتوانسته و نخواهد توانست آنرا خاموش سازد. رژیم شاه با آنکه کنترل مستمر هزاران مستشار امریکایی را در ارتش برقرار کرده بود، نتوانست از شکل گیری محافل و هسته‌های انقلابی پرسنل در نیروهای مسلح جلوگیری کند.

امروز بیش از هر زمان دیگر امکانات نفوذ اندیشه انقلابی در صفوف نیروهای مسلح فراهم است. کار بین نیروهای مسلح به یک وظیفه درنگ ناپذیر بدل گشته است. چرا که هرگاه مبارزه پرسنل با عنصر آگاهی عجین نگشته و سازمان نیابد، از سطح جنبشی خودبخودی فراتر نخواهد رفت. تجربه نشان می‌دهد که قبل از انقلاب بهمن علیرغم وجود طیف وسیع هواداران سازمان در بین پرسنل نظامی، عدم توجه به کار در میان این نیروها، مانع تاثیرگذاری جدی سازمان در مبارزه موجود در واحدهای نظامی شد.

اولین قدم برای سازماندهی مبارزه نیروهای مسلح، تجهیز به شناخت عینی از وضعیت این نیروها، تضادها و مسائل درونی آن، خواستها و مبارزات لایه های مختلف نظامی، عرصه‌های مبارزه و آگاهی از امکانات و تاکتیکهای دشمن است. همچنین کار موثر در این عرصه محتاج سیاست اصولی و روشن‌مبتنی بر وضعیت نیروهای مسلح است. میزان توانائی سازمان در پاسخگوئی به این وظیفه مبرم، بستگی به میزان شناخت آن از اجزا و زوایای این مجموعه دارد. کوشش هر فرد که از بیرون با نیروهای مسلح ارتباط دارد و یا درون آن کار می‌کند، برای کسب اطلاعات و شناخت از مختصات این مجموعه و رساندن آن به سازمان، نقش مهمی در تکوین و تکمیل این شناخت دارد. رفقائی که در این عرصه کار می‌کنند، باید بدانند که خواست های اساسی پرسنل نیروهای مسلح کدامند؟ چگونه و به چه شکلی بیان می‌شوند؟ وضعیت نیروهای مسلح در شرایط جنگی چگونه است؟ میزان نارضایتی اقشار مختلف نیروهای مسلح از ادامه جنگ، سلسله مراتب واحدهای نظامی، دخالت روحانیت در اداره واحدها، "طرح نوین ارتش" و سایر مسائل و مشکلات آنها در چه حدی است و چگونه ابراز می شود؟ سیاست های رژیم در مورد هر ارگان مسلح و نقشه های جدید برای اداره واحدهای نظامی کدامها هستند؟

رساندن این اطلاعات به سازمان باید از کانال های بسیار مطمئن از جمله از طریق فرستادن نامه به آشنایان کاملا مورد اعتماد صورت گیرد. این آشنایان نیز بهیچوجه نباید با آدرس و مشخصات واقعی خود با فرستنده نامه مکاتبه متقابل داشته باشند. در نامه باید از دادن هر مورد مشخصی در مورد یکان یا پرسنل مورد گزارش خودداری شود.

بهترین راه برای شناختن یک پدیده و کار روی آن، راه یافتن به مرکز آن است. اما زمانی که در چنین موقعیتی قرار نداریم، ناگزیر باید از طرق دیگر به کسب این شناخت بپردازیم. در این راه می‌توانیم و باید از سطح یک ارتباط ساده فامیلی یا دوستانه با اطرافیان و آشنایان نظامی خود آغاز کنیم. در بین پرسنل امروز بایان های فراوانی می‌خواهند دردها و مسائل خود را با ما در میان بگذارند. برخی تصور می کنند برای کار در میان نیروهای مسلح و پیشبرد این عرصه از کار، حتما باید دارای عناصر خودی در میان پرسنل باشند، در غیر این صورت وظیفه‌ای در قبال خود نمی‌بینند. امروزه کار تبلیغی و ترویجی از بیرون و یافتن اشکال غیرمستقیم کار در بین نیروهای مسلح، در کنار کار از درون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید محیطهای کار، زندگی و رفت و آمد نظامیان را شناسائی کرد و کوشید آنان را بطریق مطمئن در جریان مواضع سازمان قرار داد. برای رساندن نشریه کار و اوراق تبلیغاتی به پرسنل، از طرق غیرمستقیم (مثلا از طریق پست کردن در صورتیکه مطمئن باشیم بدست پلیس نخواهد افتاد، گذاشتن نشریه در محلهای مناسب، بردن مخفیانه نشریات به آدرس آنها طوری که حامل شناخته نشود، انداختن به خانه‌هایشان، پخش اوراق تبلیغاتی در محل های رفت و آمد و زندگی نظامیان و ...) کمک گرفت.

کار روی پرسنل به‌ویژه کار سازمانگرانه از حساسیت جدی برخوردار است. انجام این وظیفه به ویژه در شرایط تشدید سرکوب این نیروها در جمهوری اسلامی بایستی با ظرافت، هوشیاری، دقت نظر، صبر و درایت توام باشد. رعایت اکید قواعد و فنون مبارزه مخفی به ویژه در کار سازمانگرانه میان پرسنل، از اهمیت حیاتی برخوردار است. ما باید بتوانیم نتیجه کار آگاهگرانه خود در بین پرسنل را در سازماندهی نیروهای مسلح انقلابی متبلور سازیم. ایجاد هسته های مخفی از پرسنل انقلابی در نیروهای مسلح، از مهمترین وظیفه رفقای سازمانی است.

هدف ایجاد هسته های مخفی بالا بردن میزان بازدهی کار انقلابی در نیروهای مسلح است. بنابراین باید کوشید حداکثر تلاش را برای مخفی نگهداشتن این هسته‌ها و محافظت آنها از ضربه بکار بست. افراد هر هسته نباید از ۲ تا ۳ نفر تجاوز کنند. افراد هسته نباید روابط جنبی و مستقل یکدیگر را بشناسند و یا با هسته‌های دیگر ارتباط بگیرند.

افراد و واحدهای سازمانی باید بتوانند با موضعگیری به موقع و درست در قبال هر برآمد یا واقعه مهم در نیروهای مسلح، حتی اگر در سطح یک پادگان یا یکان نظامی مطرح باشند، فعالانه برای تاثیرگذاری و هدایت مبارزه پرسنل بکوشند. نظامیان باید بدانند که مواضع ما در قبال مسائل گوناگون مربوط به زندگی زحمتکشان و خود آنها چیست؟ آنان باید بدانند که ما پیگیرترین نیروی مدافع منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میهنمان هستیم ●

چگونگی کنترل نامه‌ها (۲)

رژیم سرکوبگر خمینی نیروی زیادی برای کنترل مکاتبات بکار می‌گیرد. رژیم می‌کوشد از طریق کنترل نامه‌ها، اطلاعات لازم را در مورد عناصر مبارز و سازمانهای سیاسی کشور بدست آورد. لذا تمام مبارزین کشور می‌بایستی بطور جدی باین مسئله توجه نمایند.

رژیم با وجود این تلاشها، قادر نیست کنترل خود را بر تمامی مکاتبات اعمال نماید. کثرت مراسلات پستی امکان کنترل دقیق همه نامه‌ها را به او نمیدهد. همگانی بودن این وسیله ارتباطی، انقلابیون را قادر میسازد تحت پوشش نامه‌های معمولی، ارتباطات خود را برقرار نموده و یا به مبادله اطلاعات و اخبار سیاسی بپردازند. بدین منظور ضروریست که ضوابط یاد شده در زیر به دقت رعایت شود:

الف ـ نحوه پست کردن و مشخصات ظاهری نامه

در نامه‌هائی که به کشورهای خارجی فرستاده میشود بایدبجای استفاده از آدرسهای شناخته شده سازمان (آدرسهای علنی و لو رفته)، از آدرسهای مطمئن سازمانی و یا آدرسهای متعلق به اقوام و آشنایان استفاده نمود و از آنها خواست که نامه‌های دریافتی را به آدرس مورد نظر پست کنند. نامه‌های خبری که ناگزیر به آدرسهای علنی سازمان فرستاده می‌شود باید با فرض کنترل حتمی آنها نوشته شوند.

ـ دشمن در مورد نامه‌های ارسالی به آدرس کشورهائیکه مرکز فعالیت نیروهای سیاسی ایران است (بویژه آلمان و فرانسه) حساسیت زیادی نشان می‌دهد. لذا می‌بایستی بجای مکاتبات مستقیم با این کشورها، از آدرس دیگر کشورهای اروپائی و یا کشورهای منطقه که رژیم جمهوری اسلامی نسبت به آنها حساس نیست بعنوان آدرس واسط استفاده کرد. درغیر اینصورت مکاتبات باید با فرض بازشدن حتمی و کنترل جدی نامه‌ها صورت گیرد.

ـ نامه‌های خارج را بایدحتی المقدور از تهران و یا شهرهای بزرگ پست کرد. به دلیل ترافیک محدود پستی شهرهای کوچک، اولا همه نامه‌ها به دقت کنترل می‌شوند و ثانیا بعلت آشنایی مامورین کنترل با اغلب اهالی شهر و مراودات خارجی شان، امکان تشخیص نامه‌های مشکوک برای آنان بیشتر است.

ـ کنترل کنندگان، نامه‌ئی را که فاقد آدرس فرستنده هستند، مشکوک تلقی می‌کنند. لذا در نامه‌های ارسالی می‌بایست آدرس فرستنده نوشته شود. ولی نویسنده نامه نباید آدرس واقعی خود را بنویسد و آدرسی را که بجای آن می‌نویسد نباید غیرواقعی باشد. بویژه نامه‌های ارسالی از شهرستانها بدلیل شناخت نسبی کنترل کنندگان از آدرسها و افراد شهر باید بطور مناسب و دقیق انتخاب شوند.

ـ رعایت دقیق قواعد پستی از قبیل درست نوشتن آدرس و کد پستی در محل مربوطه، چسباندن تمبر کافی در جای درست آن (گوشه راست بالای نامه) و معمولی بودن اندازه و حجم نامه اهمیت زیادی دارد. نامه‌هایی که از جهات فوق ایراد دارند، در جریان بررسی و تفکیک آنها در مراکز پستی خارج شده و در عمل مورد بازبینی دقیقتر قرار می‌گیرند. چسباندن تمبر روی درب پاکت موجب تشدید حساسیت کنترل کنندگان می‌شود.

ـ نامه‌هایی که با خط و مشخصاتی یکسان، بطور همزمان به پست انداخته می‌شوند حتما مورد کنترل قرار می‌گیرند. در این موارد باید پاکتها و تمبرهای متفاوتی به کار گرفت، آدرس روی پاکتها را با خط و فرم متفاوت نوشت و نامه‌ها را با فاصله زمانی و یا در صندوقهای مختلف به پست انداخت.

در مواردی که منظما و به فاصله کم نامه‌هائی برای یک آدرس ارسال می‌شود، بایستی شکل پاکتها و فرم نوشتن آدرس و حتی کاغذ نامه‌ها متفاوت باشد تا توجه کنترل کنندگان جلب نشود. این امر بویژه در مورد مراکز پستی کوچک و از جمله برخی پستچی‌ها که احیانا با مامورین رژیم در محله همکاری می‌کنند مشاهده می‌شود.

ب ـ نحوه نگارش نامه

رعایت مجموعه نکاتی که در بالا شمرده شد می‌تواند از ایجاد حساسیت دشمن نسبت به نامه‌ها در مسیر کنترل آنها بکاهد. ای بسا ممکن است که نامه بدون بررسی دقیق و گشوده شدن، از دور کنترل خارج و به مقصد روانه شود، لیکن همواره باید بر این مبنا حرکت کرد که نامه‌ها در جریان کنترل باز شده و خوانده می‌شود. در این رابطه باید نگارش نامه به گونه‌ای باشد که پس از گشوده شدن و مطالعه آن، نامه‌ای عادی تلقی شده و حساسیت کنترل کنندگان را برای بررسی دقیق مطالب مندرج در آن و نیز کشف نامرئی نویسی بر نیانگیزد. نگارش نامه‌ها می‌بایستی همانند نامه‌های معمولی مردم، با مضمونی متناسب و بیانی عادی و زنده تنظیم شود ولی مطالب سیاسی، سازمانی در نامه باید بصورت نامرئی و رمزنویسی و یا استفاده از کلمات قراردادی نوشته شود. چنین نامه‌ای هرگاه به دلایل دیگر مورد حساسیت قرار نگیرد تا زیر کنترل دقیق برده شود می‌تواند پروسه کنترل عادی را طی نماید.

در مطلب حاضر جای توضیح مشروح فنون نامرئی نویسی و رمزنویسی و نیز رمز کلمات قراردادی نیست لیکن به منظور اشاره‌ای مختصر می‌توان گفت که:

ـ برای نامرئی نویسی باید مطالب مورد نظر را با استفاده از موادی مانند شیر، آب پیاز، آب لیمو و یا مواد شیمیایی مناسب، در فواصل سطور نامه "توجیهی" نوشت. درعین حال با توجه به امکان کشف متن نامرئی توسط دشمن، باید قسمتهای اطلاعاتی و مهم مطلب را بصورت رمز، نامرئی نویسی کرد.

ـ برای نگارش باید قبلا کلمات مناسبی بعنوان جایگزین کلمات مشخص سیاسی و سازمانی که بطور معمول در مکاتبات نوشته می‌شود، بین طرفین مکاتبه تعیین شده باشد. نگارنده نامه باید کلمات قراردادی، مطلب مورد نظر را در متن نامه بگنجاند. انتخاب کلمات جایگزین مناسب و مهمتر از آنها دقت و حوصله کافی برای تنظیم متن نامه، بطوریکه بیان منطقی و مناسب و کاملا عادی داشته باشد، حائز اهمیت بسیار است. در نامه‌های خبری که ناگزیر با متنی آشکار به آدرسهای شناخته شده سازمانی ارسال می‌شوند لازمست:

اولا، تا جائیکه امکان پذیر است موارد یاد شده در بند (الف) رعایت شود.

ثانیا، خبرها را با توجه به کنترل و باز شدن حتمی نامه طوری تنظیم کرد که هیچ ردی از رفیق فرستنده، یا محل کار، فعالیت و زندگی فعالین سیاسی در آن وجود نداشته باشد.

چگونه میتوان از عدم کنترل نامه‌ها مطمئن شد

با استفاده از روشهای نشانه گذاری می‌توان کنترل یا عدم کنترل نامه‌ها را تشخیص داد. گیرنده نامه باید قبلا از علائمی که روی نامه و پاکت گذاشته می‌شود مطلع بوده و بعدا از دریافت نامه وضعیت آنها را از طریق تلفن یا مکاتبه به فرستنده اطلاع دهد. می‌توان از روشهای بسیاری برای نشانه‌گذاری بهره گرفت که ما در زیر چند نمونه از آنها را شرح می‌دهیم:

۱ـ بهم زدن شکل متناظر پاکت در هنگام چسباندن درب آن، بدین صورت که درب پاکت را به اندازه ۲ـ۱ میلیمتر بطرف راست یا چپ کشانده و می‌چسبانیم. باید اینکار را طوری انجام داد که کنترل کنندگان در نگاه معمولی متوجه آن نشده و در موقع بستن نامه بازشده، درب آنرا بطور عادی و متناظر بچسبانند.

۲ـ ایجاد تغییرات روی چسب درب پاکت: بدین منظور با کمک چوبی نوک تیز قسمتی از چسب درب پاکت را، قبل از بستن آن، به اندازه شیاری ۱ تا ۲ میلیمتری پاک می‌کنیم (برای اطمینان از پاک بودن شیار می‌توان قسمت پاک شده را جلو نور معاینه کرد). هنگامیکه درب پاکت بسته شود باید شیار مزبور چسب نخورد، اما درصورت باز شدن نامه، چسبی که دوباره به لبه پاکت زده می شود، شیار بی‌چسب را پر کرده و آن قسمت را نیز به کاغذ می‌چسباند. جهت تشخیص کنترل نامه باید گیرنده نامه بدون باز کردن درب پاکت با قیچی دور تا دور آنرا بریده و سوزنی را در امتداد چسب درب پاکت (از داخل) حرکت دهد، درصورت فقدان شیار معلوم می‌شود که نامه باز شده است.

۳ـ گذاشتن جسم غیرآشکار در درون نامه: با گذاشتن تار موی سفید و... در درون کاغذ نامه، میتوان از باز شدن آن مطلع شد. اگر بعد از دریافت نامه جسم خارجی گذاشته شده در درون نامه موجود نباشد، نامه باز شده است. این جسم باید آنچنان ناپیدا باشد که کنترل کنندگان در باز کردن عادی نامه متوجه آن نشوند.

۴ـ چسباندن یک گوشه یا یک نقطه از قسمت انتهایی نامهٔ تا شده به درون پاکت: چسب مزبور باید بوسیله چوبی نوک تیز و به اندازه‌ای کم زده شود تا کنترل کننده هنگام درآوردن نامه از درون پاکت متوجه مقاومت چسب نشود. گیرنده نامه باید پاکت را از طرفین و سر آن با کارد بریده و تا آن حد باز کند که محل چسبیدگی کاغذ نامه به پاکت را در ته پاکت مشاهده نماید. موقع کاربست این شیوه باید دقت کرد که نامه کاملا اندازه پاکت تا شود و جایی برای جابجایی آن طی انتقال پستی نباشد.

در نشانه گذاری نامه و پاکت معمولا از چند نشانه مختلف استفاده می‌شود، زیرا اکتفا به یک نشانه مطمئن نخواهد بود.

علاوه بر نشانه‌های فوق که برای آزمایش جدی کنترل نامه بین فرستنده و گیرنده آن گذاشته می‌شود، بطور معمول نیز میتوان از روی تاریخ دریافت نامه و شکل ظاهری آن به باز شدن نامه‌ها پی برد. در زیر به برخی نکاتی در این موارد اشاره می‌کنیم:

ـ دیر رسیدن نامه: علت این تاخیر ممکن است متوقف ماندن نامه در جریان کنترل و باز کردن آن باشد.

ـ چروک بودن درب پاکت و بیرون زدن چسب از لبه درب پاکت؛ چروک بودن و چسب اضافی در زیر نور بهتر قابل مشاهده‌اند.

ـ چسبیدن نامه به لبه‌های داخلی درب پاکت، این چسبندگی به سبب چسب اضافی است که هنگام بستن مجدد درب پاکت به آن زده شده است.

ـ چسبیده بودن گوشه‌های بالایی درب پاکت، این قسمتها که در حالت عادی فاقد چسب می‌باشند ممکن است در بستن مجدد نامه چسب خورده و بچسبند.

ـ وجود آسیب دیدگی در لبه‌های درب پاکت. این امر که غالبا مشاهده می شود بعلت باز کردن نامه با وسیله مکانیکی بوجود می‌آید و در موارد دقیقتر با کمک ذره‌بین بخوبی قابل رویت است.

ـ درصورتیکه از چسب نواری برای چسباندن درب پاکت استفاده شده باشد با دقت روی تغییر وضعیت نوار از جای چسبیده شده قبلی و عدم چسبندگی بعضی نقاط آن میتوان پی به باز شدن نامه برد.

ـ اگر نامه و آدرس روی پاکت با جوهر محلول در آب نوشته شده باشد، ممکن است هنگام باز شدن نامه بوسیله بخار آب، نوشته‌ها پخش شود. دراینحالت عکس‌ها و کارت پستالهای رنگی موجود در نامه، اندکی کدر خواهند شد●

جاودان باد خاطره شهیدان بخون خفته خلق

اسفند، آخرین ماه زمستان و آستانه بهار، یکی از ماههایی است که از شهیدان سازمان ما لاله‌گون است. ۲۰ اسفند ماه ۴۹، رژیم جنایتکار شاه علی‌اکبر صفائی فراهانی و ۱۲ تن دیگر از رهبران و بنیانگذاران سازمان ما را به جوخه اعدام سپرد. ۱۱ اسفند ماه سال بعد، مسعود احمدزاده و ۹ تن دیگر از بنیانگذاران سازمان فدائیان خلق تیرباران شدند و ۲۲ اسفند ۱۳۵۰ علیرضا نابدل و ۸ تن دیگر از فدائیان دلیر خلق بدست دژخیمان شاه کشته شدند. ۲۹ بهمن ۵۲ فدائیان خلق خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان پس از دفاع پرشور و آتشین از آرمانهایشان در بیدادگاه نظامی شاه، گلوله‌های دشمنان خلق را در سینه‌های گرم خویش پذیرا شدند. مبارزه و شهادت زود هنگام این رفقا، همچون رویش بنفشه‌هایی بود که گل میداد و مژده میداد که زمستان شکست و رفت و براستی هم که در بهمن ۵۷، زحمتکشان ایران به پیشواز بهار آزادی میهن مان رفتند. اما هیهات که نفس شوم جمهوری اسلامی گلهای این بهار را به سرعت خشکاند. آخوندهای جنایتکار به روی مردم و فرزندان دلیرشان تیغ برداشتند. درست یک سال پس از انقلاب در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۵۸، خبر آمد که پاسداران جهل و جنایت، شبانه و درخفا فدائیان خلق و رهبران خلق ترکمن ـ توماج و یارانش ـ را شکنجه و سپس ترور کرده‌اند. دستان ناپاک این نابکاران جنایتکار به خون هزاران تن دیگر از فدائیان و سایر رزمندگان راه خلق آغشته شد.

درآخرین تهاجمی که گزمه‌های خمینی در تابستان امسال به صفوف ما آوردند، صدها تن از فدائیان خلق را ربوده و به زیر داغ و درفش کشیده‌اند. تا کنون خبر شهادت ۲ تن از همرزمان دلیرما در زیر شکنجه‌های وحشیانه جلادان جمهوری اسلامی منتشر شده است. شکنجه گران رژیم، برای خاموش کردن فریاد عدالت خواهانه سایر رفیقانمان هنوز هم شلاق میزنند. خمینی هم با دیوانه سری در تلاش است تا با هر جنایتی، فدائیان خلق را از مبارزه باز دارد. اما همانگونه که رژیم ستمشاهی نتوانست مبارزه دلیرانه مردم و فرزندان فدایی شان را خاموش سازد، رژیم ستم آخوندی هم این آرزو را به گور خواهد برد. خلافت سیاه و قرون وسطایی خمینی رفتنی است. بهاران طبیعت، بهاران آزادی خلق نیز در راه است.

در این روزهای جشن و شادمانی بهار، یاد و خاطره شریف ترین فرزندان خلق را که در راه دفاع از آرمانهای مردمی شان به خون تپیده‌اند گرامی داریم، فریاد اعتراض علیه شکنجه و اعدام انقلابیونی که در سیاهچالهای خمینی اسیرند را رساتر سازیم، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم ●

زنده باد دوستی ایران و اتحاد شوروی

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۱ اسفند اعتراف کرد که مک فارلین در جریان سفرش به تهران اطلاعات دروغینی مبنی بر تمرکز ۳۶ لشگر شوروی در مرزهای شمالی کشور ما در اختیار سران رژیم گذارده است. رفسنجانی گفت یکی از هدفهای این دروغ سازی این بود که "روابط ما را با شوروی تیره کنند". پس از انتشار سخنان رفسنجانی خبرگزاری تاس ضمن صدور اطلاعیه‌ای این تلاش امپریالیسم آمریکا را شدیداً محکوم کرد.

ایجاد اختلاف و دشمنی بین کشورهای جهان با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یکی از جنبه‌های استراتژیک و مهم سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکاست. اربابان سرمایه جهانی با جعل و دروغ پراکنی توسط دستگاههای عظیم تبلیغاتی و شبکه گسترده جاسوسی خود بطور روزمره می کوشند مردم جهان را نسبت به اتحاد شوروی بدبین و دشمن سازند. اهداف خرابکارانه امپریالیسم متوجه آن است که مانع از اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز و حسن همجواری بین کشورهای مختلف گردد و با ایجاد بدبینی و تبلیغات نادرست مبارزات زحمتکشان جهان علیه امپریالیسم را متوجه خطر دروغین شوروی و کمونیسم سازد.

یکی از هدف های امپریالیسم امریکا در بازسازی مناسبات با رژیم خائن خمینی نیز سوق دادن این رژیم منحط به تشدید دشمنی با اتحاد شوروی است. آنچه که باعث امیدواری امپریالیستهای آمریکایی در این زمینه شده است، سیاستهای ارتجاعی و کینه حیوانی آخوندها نسبت به کمونیسم و شوروی و دشمنی آنها با سیاست همزیستی مسالمت آمیز و حسن همجواری بین ایران با کشورهای همسایه است. رژیم خمینی در پیشبرد این سیاستهای ارتجاعی عملا همدست امپریالیسم آمریکاست. دشمنی و دروغ پردازی علیه اتحاد شوروی، تحریکات و سیاست خصمانه و مداخله گرانه علیه دولت انقلابی افغانستان، دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر و رویای صدور "انقلاب اسلامی" که پایه‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، همه و همه در خدمت سیاست ضد انقلابی آمریکا قرار دارد. در این راستا جمهوری اسلامی با سران امریکا اختلاف چندانی ندارد. اما آنچه که باعث شد رفسنجانی در نماز جمعه تهران به افشای تلاش ارتجاعی آمریکا برای تشدید وخامت مناسبات بین جمهوری اسلامی با شوروی بپردازد، نه تمایل آخوندهای شیاد برای برقراری مناسبات سالم حسن همجواری با اتحاد شوروی و دست کشیدن از سیاست خصمانه نسبت به آن، بلکه مصالح دیگری است. اکنون که سازش مفتضحانه رژیم خمینی با آمریکا زحمتکشان میهن ما را سخت به خشم آورده است، سران رژیم می کوشند با گرفتن ژستهای ضد آمریکایی از یک سو نارضایتی ها را فرونشانند و آبروی از دست داده را کمی جبران کنند و از سوی دیگر در معامله با "شیطان بزرگ" بازارگرمی بیشتری کنند و امتیازات بیشتری به چنگ آورند. در غیر این صورت آخوندهای شیاد، چنین حادثه پر اهمیتی را نزدیک به یک سال پنهان نگه نمی داشتند و دستگاههای استراق سمع آمریکایی را در مرزهای ایران و شوروی افغانستان بکار نمی انداختند و صدها میلیون پوند برای تاسیس واحدهای رادار در مرزهای شوروی به جیب میلیاردرهای انگلیسی سرازیر نمی کردند.

در ایران نیروهای ارتجاعی بورژوایی پراکندن دشمنی نسبت به اتحاد شوروی را همیشه و همواره بمثابه جزء مهمی از برنامه‌های خود دنبال کرده‌اند. بعکس کمونیستها با پیگیری از دوستی خلقهای ایران و شوروی دفاع کرده و آنرا عامل مهمی در پیشبرد مبارزه انقلابی، سرنگونی ارتجاع و شکوفایی کشور خود دانسته و می دانند.

امپریالیسم خبری و عملکردهای آن

وسائل ارتباط جمعی در زندگی انسان امروز جایگاه بس پر اهمیتی را کسب کرده است. امپریالیسم جهانی هزینه‌های فوق العاده‌ای را خرج می‌کنند تا با تسلط بر این ابزار، تصاویر غیر واقعی و بشدت مغشوش از کشورهای سوسیالیستی و جنبشها و نیروهای انقلابی و ترقیخواه ارائه دهند.

مفهوم "امپریالیسم اطلاعاتی" از ده سال به این سو وارد اصطلاحات سیاسی بین المللی گردید. او. کیلونین رئیس جمهور سابق فنلاند که اولین بار این اصطلاح را بکار گرفت اعلام نمود که دو سوم اطلاعاتی که در جهان پخش میگردد توسط مجتمع‌های اطلاعاتی - تبلیغاتی آمریکا که ستون فقرات وسائل ارتباط جمعی امپریالیسم جهانی را تشکیل می‌دهند تهیه می‌گردد. هم اکنون مطابق اطلاعات ارائه شده توسط یونسکو حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد اخباری که در کشورهای غیر سوسیالیستی جهان پخش می‌شود، تحت کنترل آژانسهای اطلاعاتی کشورهای غربی است.

امریکا همه ساله حدود ۵ میلیارد دلار برای کارهای تبلیغاتی در خارج از کشور خرج می‌کنند. حدود ۳۵۰ هزار نفر در دستگاه عظیم تبلیغاتی امریکا کار می‌کنند. "یوسیا" (آژانس اطلاعاتی امریکا) که در سال ۱۹۵۳ تاسیس شده است نقش عمده‌ای را در دستگاه تبلیغاتی امریکا دارد. بودجه این موسسه در سال ۱۹۸۶ به رقم سرسام آور ۹۷۴ میلیون دلار بالغ گردید. قسمت اعظم این بودجه برای فعالیت دستگاه عظیم "یوسیا" در خارج (۲۱۴ نمایندگی در ۱۲۹ کشور) و هم چنین برای گسترش فعالیت و ارتقا سطح تکنیکی آژانس در امریکا به مصرف میرسد. "یوسیا" ۲۰ نشریه به ۲۲ زبان منتشر میکند. "صدای امریکا" که در سال گذشته برنامه های خود را از ۹۸۶ ساعت به ۱۳۲۷ ساعت در هفته افزایش داد به همراه شبکه سراسری تلویزیونی "وورلدنت" که هر روز از طریق کانالهای آن برای ۷۵ کشور جهان برنامه پخش می‌شود، بلندگوهای عمده "یوسیا" هستند.

"یوسیا" تنها اداره دولتی امریکا نیست که به شستشوی افکار عمومی در امریکا و خارج از مرزهای آن می‌پردازد. "سیا" (اداره مرکزی اطلاعات امریکا) نقش جدی در فعالیت "امپریالیسم اطلاعاتی" دارد. "سیا" بیش از ۱۲۰۰ ارگان اطلاعات جمعی در امریکا و خارج از آن کشور را به خدمت خود گرفته است. مدتی پیش مطبوعات امریکا اعلام کردند که "سیا" شبکه وسیعی را بوجود آورده است تا اطلاعات تحریف شده را در اختیار مطبوعات و رادیو و تلویزیون بگذارد و تبلیغات "سیاه" (پخش اطلاعات کاملا دروغ) و "خاکستری" (پخش ترکیبی از اطلاعات صحیح و کاذب) را به پیش برد. رادیوهای "آزادی" و "اروپای آزاد" که از مونیخ برنامه تبلیغاتی علیه کشورهای سوسیالیستی پخش می‌کنند توسط "سیا" کنترل می‌گردند. ایستگاههای مزبور در هفته ۱۰۶۰ ساعت برنامه پخش می‌کنند.

پنتاگون نیز دارای سیستم گسترده تبلیغاتی است. در دو دهه اخیر بودجه پنتاگون در بخش تبلیغات ۱۵ بار افزایش یافته است. حدود ۱۰۳۸ روزنامه و ۳۶۶ مجله و بولتن های مختلف با تیراژ بیش از ۱۲ میلیون نسخه توسط پنتاگون انتشار می‌یابد.

در مرحله کنونی شرکت های چندملیتی نقش برجسته‌ای را در سیستم "امپریالیسم اطلاعاتی" دارند. آژانس های اطلاعاتی جهانی که برای مطبوعات و رادیو و تلویزیون کشورهای مختلف بخش عمده اطلاعات را تهیه می‌کنند، شرکت های چندملیتی هستند. اسوشیتدپرس، یونایتدپرس اینترنشنل، رویتر و فرانس پرس از جمله این آژانسهای اطلاعاتی هستند. هرکدام از این آژانسها همه روزه اطلاعاتی به حجم چندین میلیون کلمه تهیه و پخش می‌نمایند و تقریبا در ۱۰۰ کشور جهان مشترک دارند.

خبرگزاری اسوشیتدپرس از طریق کانالهای خود از نیویورک، روزانه بطور متوسط ۹۰ هزار کلمه فقط برای کشورهای آسیا پخش میکند. درحالیکه از طریق همین کانالها از آسیا به نیویورک فقط روزانه حدود ۱۹ هزار کلمه ارسال می‌گردد.

کشورهای درحال رشد در معرض بمباران مداوم تبلیغات کشورهای امپریالیستی قرار دارند. بیش از ۵۰ مرکز رادیویی امریکا، کشورهای اروپای غربی، پاکستان و برخی کشورهای منطقه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان برنامه‌های تبلیغاتی پخش می‌کنند. حجم این برنامه‌ها که بزبانهای دری، پشتو، ترکمنی، ازبکی و دیگر زبانهای متداول افغانستان پخش میشود در هفته به بیش از ۲۰۰ ساعت می‌رسد.

"امپریالیسم اطلاعاتی" پایه و اساس "جنگ روانی" است و لبه تیز آن متوجه جهان سوسیالیزم، جنبش بین المللی کمونیستی، جنبش های رهائی بخش ملی و جنبش های توده‌ای و دمکراتیک است. کشورهای امپریالیستی که در راس آنها امپریالیسم امریکا قرار دارد می‌کوشند به کمک وسائل اطلاعاتی تبلیغاتی نظرات و شیوه زندگی بورژوایی غرب را به تمام خلق های جهان تحمیل کنند. امپریالیسم جهانی می‌خواهد از طریق تبلیغات گسترده، پوشش ایدئولوژیک برای سیاستهای تجاوزگرانه و جنگ افروزانه خود دست و پا کند و چهره خود را بیاراید. ولی خلق های جهان بیش از پیش به ماهیت فریبکارانه "امپریالیسم اطلاعاتی" شناخت پیدا می‌کنند و به مقابله با آن برمی‌خیزند.

"توبه" ریگان

شخصیت ها و مهره‌های دست اندرکار افتضاح "ایران گیت" یکی پس از دیگری از صحنه نمایش مسخره‌ای که هنوز ادامه دارد، کنار زده میشوند تا دروغگو، شیاد و بزهکار بزرگ، ریگان همچنان از زیر تیغ افکار عمومی مردم امریکا و جهان مصون نگه داشته شود.

به دنبال برکناری عده‌ای از مقامات ریز و درشت دولت امریکا که در ماجرای زد و بند دولت ریگان و رژیم خمینی دست داشتند، از جمله ویلیام کیسی رئیس سازمان "سیا"، دونالد ریگان رئیس دفتر کاخ سفید نیز که همه کاره رئیس جمهور بود برکنار شد. این در حالی است که هنوز از گوشه و کنار این ماجرا پای افراد جدیدی به میان کشیده می‌شود. دستگاههای قضائی و کمیسیونهای تحقیق تاکنون سعی کرده‌اند شخص رئیس جمهور را از مرکز رسوایی دور نگهدارند. کمیسیونی که بدین منظور از جانب کنگره آمریکا مامور بررسی پرونده مذکور بود اعلام داشت که ریگان از بسیاری کارها بی اطلاع بوده است که البته این نتیجه تحقیق را احدی باور نکرد. تازه بر فرض محال در صورت صحت این ادعا، آنوقت لیاقت و کفایت جناب رئیس جمهور به میان کشیده میشود، که کشیده شده است. مردم آمریکا می‌گویند این چگونه رئیس جمهوری است که کشور بزرگی را با اصطلاح هدایت و اداره می‌کند ولی از آنچه دور و برش می‌گذرد بی اطلاع است. اما رئیس جمهور ریگان برای اینکه به تمام این سئوالات نقطه پایان بگذارد و مسئله با این بزرگی را ماستمالی کند روی صحنه تلویزیون ظاهر شد و قیافه گربه زاهد بخود گرفت و اعلام کرد که استراتژی آمریکا در رابطه با ایران غلط بوده است و اعتراف نمود که بعنوان رئیس دولت همه مسئولیت این کارها را بعهده می‌گیرد. البته در همان حال اعلام داشت که از وقوع بسیاری از مسایل اطلاع نداشته است و قول داد (!) که از این پس در همه کارهای مخفی حتما با کنگره مشورت نماید و همه کسانی را که در این کار دست داشته‌اند از کار بر کنار نماید.

علیرغم اینکه رسوایی از پرده بیرون افتاده و علیرغم همه این برکناری ها، دار و دسته ریگان به دستور انحصارات میلیتاریستی روابط آشکار و پنهان خود را با رژیم جمهوری اسلامی ادامه می‌دهد و رژیم ایران نیز از راههای گوناگون، تنور جنگ را با سلاحهای "اهدایی" امریکا داغ نگه میدارد و همراه شریک جنایتکارش امریکا مردم میهن ما را هزار-هزار قربانی عفریت جنگ می‌کنند.

اعدام یکصد تن مبارز عراقی

رژیم دیکتاتوری فاشیستی حاکم بر کشور جنایت جدیدی را در حق فرزندان مبارز خلق عراق مرتکب گردید. سردمداران حاکم بر عراق در روز ۲۵ نوامبر ۸۶ یکصد نفر از فرزندان انقلابی خلق را که بیشتر آنان را جوانان تشکیل داده و مدتها در زندان "ابوغریب" بغداد زندانی بودند به جوخه اعدام سپرد و اجساد آنها را در چند نوبت به خانواده‌هایشان تسلیم کرد. رژیم دیکتاتوری فاشیستی حاکم خانواده‌های مبارزان اعدام شده را از برگزاری مراسم سوگواری برای عزیزان خود باز داشت و مانع از آن شد که آنها خاطره عزیزان خود را گرامی دارند.

بخش خارج از کشور حزب کمونیست عراق

با کمک مالی سازمان را یاری کنید!

اعضاء، هواداران و دوستان سازمان

پیکار مقدس ما برای اینکه میهن باستانی ما، همیشه آزاد و آباد، همیشه نوروز و بهاران باشد به تلاش همه ما برای بسیج همه امکانات و بکارگیری حداکثر توان نیازمند است. سازمان ما برای آنکه مبارزه علیه جنگ و رژیم تبهکار را در همه جهات گسترش دهد، نیازمند کمک مالی شما رفقای گرامی است.

در روزهای نوروزی، رفقا و دوستان را با نیاز مالی سازمان، با ضرورت کمک مالی به فدائیان خلق ایران آگاه کنیم!

در روزهای نوروزی با گردآوری کمک دوستان و آشنایان، مبارزه مقدسمان را نیرومندتر سازیم.

جمهوری ضد بشر

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ۴۳-مین اجلاس خود برای ششمین سال متوالی رژیم جمهوری اسلامی را به جهت جنایات بیشمار در حق زندانیان سیاسی، دستگیری ها، شکنجه‌ها، اعدام ها و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم ایران محکوم کرد. این کمیسیون اعلام کرد که تاکنون اعدام ۷۰۰۰ نفر از سوی رژیم ایران بطور رسمی اعلام شده است. این رقم از رقم واقعی بسیار کمتر است. در اجلاس کمیسیون حقوق بشر، اعلام شد که علیرغم مراجعات مکرر و فراخوانهای مداوم، رژیم خمینی تاکنون نه تنها اجازه بازدید از زندانها را نداده، بلکه کوچکترین اطلاعی درباره وضع زندانهای ایران نیز به کمیسیون ارائه نداده است. قطعنامه کمیسیون یک بار دیگر گزارشگر ویژه را موظف به تحقیق پیرامون وضع حقوق بشر در ایران و ارائه نتایج آن به مجمع عمومی سازمان ملل نمود.

برافراشته باد پرچم رزم کارگران!

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون اراجیف رژیم ارتجاع

هموطن!

در تاریخ ۲۷ اسفندماه رژیم ارتجاعی خمینی سرانجام زیر فشار افکار عمومی در کشور و در جهان، گوشه‌ای از جنایات خود علیه فدائیان خلق ایران را افشا ساخت و در آستانه نوروز، چنگ دیگری خون به روی مردم ایران پاشید.

سران رژیم مدتها کوشیدند تا مگر از انعکاس نبرد سترگ فدائیان در همه میدانهای کارزار انقلابی کشور جلوگیری کنند. آنها هنوز هم حماسه ایستادگی فدائیان خلق را در شکنجه‌گاهها و میدانهای اعدام از چشم خلق پنهان می‌کنند. اما عظمت رزم و ایثار فدائیان و انعکاس گسترده ددمنشی‌ها و جنایات رژیم در سراسر جهان چنین تلاش‌هایی را با شکست روبرو ساخته است.

رژیم ارتجاع اگرچه اکنون ناچار به دریدن پرده سکوت شد، لیکن نیرنگ‌ها و دروغ‌های تازه‌ای ساز کرده است تا مگر بر امید مردم به پیروزی در رزمشان خدشه‌ای وارد کند. رژیم در عین حال کوشیده است با ارائه کارنامه جنایات خود علیه کمونیست‌ها، امید و اعتماد امپریالیسم امریکا به حل مسایل فی‌مابین را باز هم تقویت کند. عمال رژیم کوشیده‌اند تا با آمارسازی و دروغ‌پردازی درباره جنایات خود علیه سازمان ـ که حقایق آن توسط سازمان تماماً به آگاهی مردم رسیده است ـ در عزم و امید خلق به پیروزی بر رژیم خلل وارد کنند.

علیرغم یورش‌های ددمنشانه رژیم در تابستان گذشته و دستگیری بیش از هزار نفر از کادرها و اعضاء و هواداران سازمان، نیروهای متشکل و واحدهای رزمنده سازمان استوارتر از پیش در سراسر کشور پرچم پیکار قهرمانانه علیه ارتجاع حاکم را بر دوش می‌کشند.

رژیم منفور که بر اثر نفرت خلق در انزوای کامل قرار گرفته و شیرازه آن در اثر اختلافات سران جنایتکارش در حال از هم گسستن است، این بار برای تشدید جنگ روانی علیه سازمان ما به حقه تازه‌ای متوسل شده و از گسست و تفرقه در صفوف سازمان ما سخن می‌گوید. خمینی بداند که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کمیته مرکزی و همه کادرها و اعضاء آن متحد و یکپارچه در پیکار برای به گور سپردن این رژیم منفور تا آخرین نفر ایستاده‌اند. خمینی بداند که ما فدائیان خلق پرچم اتحاد همه نیروهای دموکراتیک کشور، پرچم اتحاد همه فدائیان، توده‌ای‌ها، مجاهدین، دموکراتها و هر نیروی دیگری که علیه او و جانشینان شاه مدفون پیکار می‌کنند را به دوش گرفته‌ایم. ما به نیروی این اتحاد ناقوس مرگ رژیم سرتاپا جنایت خمینی را در سراسر میهن طنین‌افکن خواهیم ساخت. پیروزی خلق در پیکار علیه خمینی قطعی است.

سران این رژیم پلید بدانند که سنگ بنای سازمان فدائیان را از روز نخست با جانبازی و فداکاری دلیرانه در راه خلق پی ریخته‌اند. ما خوب می‌دانستیم و می‌دانیم که هر مبارزه حق‌طلبانه ما، دفاع ما از طبقه کارگر، دهقانان و همه مردم زحمتکش، پیکار ما علیه جنگ، علیه آزادی‌کشی و چپاول سرمایه‌داری، سازمان ما را آماج انتقامجویی این رژیم جنایتکار ساخته است. اما ما همه هستی خود را در راه خلق نهاده‌ایم.

هم‌میهنان عزیز!

رژیم استبداد برای انتقام‌جوئی از فدائیان خلق به پرونده‌سازی، دروغ‌پردازی و صحنه‌سازی‌های وقیحانه مشغول است. رژیم از هیچ توطئه‌ای که به یاری آن بتواند علیه فدائیان اسیر دست به جنایت زند، دریغ نخواهد کرد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه هم‌میهنان عزیز، از همه احزاب و سازمانهای دموکراتیک ایران، از همه محافل ترقیخواه جهان تقاضا می‌کند که هرچه در امکان دارند برای افشاء و خنثی‌کردن نقشه‌های رذیلانه و جنایتکارانه رژیم خمینی علیه فدائیان اسیر و علیه همه زندانیان سیاسی کشور به کار گیرند.

ایمان راسخ داریم که تلاش‌های جنایتکارانه و نیرنگهای مفتضحانه رژیم ارتجاع با شکست خفت‌بار روبرو خواهد شد.

با همه امکان برای نجات میهن، برای دستیابی به صلح و دموکراسی، برای دستیابی به عدالت اجتماعی، صفوف فدائیان خلق را تقویت کنید. علیه سرکوب و کشتار فرزندان خود، علیه شکنجه و اعدام، فریاد اعتراض را رساتر سازید.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
برافراشته باد پرچم رزم کارگران و زحمتکشان
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۵

افغانستان در راه "مصالحه ملی"

حدود سه ماه است که از اعلام سیاست "مصالحه ملی" از سوی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌گذرد. تلاش‌های مسئولانه دولت افغانستان در تحقق آشتی ملی و پایان دادن به جنگ خانمانسوز داخلی بی‌وقفه ادامه دارد.

طبق فرمان عفو عمومی دولت، اخیراً بیش از ۴۰۰۰ نفر از افراد سابق دسته‌های مسلح که علیه دولت مبارزه می‌کردند از زندان آزاد شده‌اند. همین فرمان به عده زیادی از افراد مسلح که از عملیات جنگی دست برداشته‌اند امکان داده است که به خانه و کاشانه خود باز گردند و به کار و زندگی مسالمت‌آمیز مشغول شوند. طی یکی دو ماه اخیر بسیاری از وابستگان گروهها به دولت گرویده و برخی گروهها از عملیات علیه دولت دست کشیده‌اند. روند تدریجی بازگشت افغانهایی که بر اثر جنگ، خاک افغانستان را ترک کرده و در کشورهای پاکستان و ایران بسر می‌برند، علیرغم مخالفتها و تهدیدهای نیروهای مرزی ایران و پاکستان ادامه دارد.

پیشنهادهای همه‌جانبه دولت افغانستان ـ از طرح خروج کامل نیروهای یاری‌رسان اتحاد شوروی تا تشکیل ائتلاف ملی ـ رژیم‌های پاکستان و ایران و باندهای ضدانقلابی و فریب‌خورده را از نظر سیاسی دیپلماتیک خلع سلاح کرده است.

در این میان اخیراً مقامات رژیم جمهوری اسلامی نیز پیشنهاد کنفرانسی با شرکت نمایندگان دولت‌های اتحاد شوروی، پاکستان، ایران و گروههای مسلح داده‌اند که در مورد حل مسئله افغانستان به مذاکره بپردازند. این پیشنهاد در زمانی ارائه شد که رژیم خمینی از به بن‌بست رسیدن سیاست جنگ‌افروزانه خود مطمئن شده و از سوی دیگر به طمع افتاده تا شاید با سردرگم کردن کلاف مذاکرات از آب گل‌آلود ماهی بگیرد. جمهوری اسلامی که از همان آغاز موجودیت خود از هیچگونه کمکی برای گسترش هرچه بیشتر جنگ داخلی در افغانستان مضایقه نداشته است، این بار در این پیشنهاد مذاکره خود با حذف دولت دموکراتیک افغانستان یعنی پای اصلی حل مسئله افغانستان هدف و نیت ناپاک خود را به نمایش گذاشته است. رژیم جمهوری اسلامی که در آینده موفقیت‌آمیز "مصالحه ملی" رسوایی و بی‌آبرویی خود را می‌بیند بدست و پا افتاده و تلاش مجددی را برای متحدکردن نیروهای ضددولتی آغاز کرده است. در دیداری که چندی پیش خامنه‌ای رئیس جمهور با رهبران چند گروه ضدانقلابی داشت، آنها را به اتحاد مجدد تشویق نمود و قول مساعدتهای جدید به آنها داد.

سیاست "مصالحه ملی" که دریچه‌ای برای پایان دادن به جنگ خونین اعلام‌نشده در افغانستان گشوده، نه تنها مورد استقبال مردم زحمتکش افغان قرار گرفته، بلکه از جانب بسیاری از کشورها و مردم جهان تائید و پشتیبانی شده است. به اعتقاد ما نیروهای انقلابی کشور ما باید این سیاست دولت افغانستان را مورد حمایت قاطع خود قرار دهند و تلاش‌های رژیم خمینی و امپریالیسم و ارتجاع منطقه برای ادامه خونریزی در افغانستان را افشا کنند. امروز صدها هزار افغانی در کشور ما بسر می‌برند. رژیم خمینی این مردم زحمتکش، اما ناآگاه به منافع خود را فریب می‌دهد و برای جنگ علیه دولت افغانستان و علیه عراق تجهیز می‌کند. وظیفه انقلابی و مردمی ما، وظیفه ما بعنوان همسایگان و برادران خلق افغانستان این است که این مردم آواره و ستمدیده و غالباً فریب‌خورده را از آنچه در کشورشان می‌رود آگاه کنیم و آنان را به بازگشت به میهنشان و به حمایت از سیاست آشتی ملی و قطع جنگ در کشورشان ترغیب کنیم. امپریالیسم امریکا، رژیم‌های ایران و پاکستان و دسته‌های راهزن وابسته به امپریالیسم و ارتجاع دشمن مردم افغانستان و همانگونه دشمن مردم کشور ما هستند. مردم افغانستان، زحمتکشان آواره افغانی و آن نیروهای سیاسی مخالف دولت افغانستان که واقعاً کوچکترین توجهی به مردم میهنشان داشته باشند نمی‌توانند سیاست‌های صلح‌طلبانه، آشتی‌جویانه و مردمی دولت افغانستان را مورد مخالفت قرار دهند.

پیشنهاد اتحاد شوروی... بقیه از صفحه اول

پیشنهاد شوروی با استقبال کلیه سازمانها و محافل مترقی و صلح‌دوست بین‌المللی مواجه شده است. حتی تعدادی دولت‌های غربی از قبیل آلمان فدرال، فرانسه، کانادا، دانمارک، بلژیک و هلند آن را یک گام عملی مهم در راه رهائی کامل اروپا از سلاح اتمی ارزیابی کرده‌اند. بسیاری از شخصیت‌ها، محافل و مقامات آمریکائی نیز از آن استقبال بعمل آورده‌اند.

اتحاد شوروی که یک بار دیگر حسن نیت و احساس مسئولیت خود نسبت به سرنوشت بشریت را در معرض قضاوت جهانی قرار داده است.

بشریت از امریکا می‌طلبد که از مسابقه اتمی دست بردارد و به این پیشنهاد که رهگشای خلع سلاح کامل اتمی است پاسخ مثبت دهد، تا جهان از یک آتش‌سوزی بزرگ اتمی آینده مصون بماند.

بیانیه احزاب کمونیست و کارگری کشورهای خاور عربی درباره تحولات جنگ ایران و عراق

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای مشرق عربی در اواخر ماه ژانویه سال ۱۹۸۷ جلسه‌ای تشکیل داده و در رابطه با تاثیرات خطرناشی از اوجگیری جنگ ایران و عراق بر جنبش آزادیبخش ملی عرب به بحث و گفتگو نشستند.

احزاب شرکت‌کننده در این جلسه با توجه به اظهارات دبیر اول حزب کمونیست عراق، که تحولات جنگ ایران و عراق و اثرات خطرناک آن در رابطه با مبارزه خلق عراق، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور و تبعات زیانبار آن برای آلترناتیو دمکراتیک عراق را توضیح داده بود، اعلام نمودند که تداوم جنگ ایران و عراق به امپریالیسم امریکا و دوستان آن و پیشرفت طرحهای امریکائی در منطقه کمک می‌کند.

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای مشرق عربی، برافروختن آتش جنگ را از ابتدا محکوم کرده و اصرار رژیم ایران بر ادامه جنگ را منافی مصالح خلقهای ایران و عراق دانسته و آن را عامل به خطر افکندن استقلال ملی و تمامیت ارضی عراق می‌دانند و اعلام می‌نمایند که ادامه جنگ سبب ایجاد ترس و وحشت برای توده‌های کشورهای حوزه خلیج شده و فضایی مناسب‌تر برای امپریالیستها و صهیونیست‌ها جهت تحقق اهداف و طرحهای دشمنانه علیه خلقهای منطقه فراهم ساخته است.

احزاب کارگری و کمونیستی در کشورهای مشرق عربی، اعلام کردند که خواهان خاتمه هرچه سریعتر جنگ و پایان بخشیدن به مصیبت‌های خلقهای ایران و عراق، برقراری صلحی دمکراتیک و عادلانه بدون ضمیمه کردن و الحاق خاک دو کشور به یکدیگر و با احترام به حاکمیت ملی و استقلال کشورها می‌باشند.

رزمنده صلح

در پارک "لافایت" واشنگتن در ۱۸۷ قدمی محل اقامت ریگان، فاجعه‌ای انسانی در شرف وقوع است. "چارلز هایدر" فیزیکدان و اخترشناس امریکایی به بهای جان خود، اعتراض بشریت مترقی را نسبت به جنون هسته‌ای و طرح اهریمنی کاخ سفید برای نظامی کردن فضای کیهان را به نمایش گذاشته است.

دانشمند ۶۵ ساله امریکایی، از ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۶ با اعلام "اعتصاب غذا تا پای مرگ"، از دولت امریکا خواست که به برداشتن گام مشخصی در راه انهدام سلاحهای اتمی تا سال ۲۰۰۰ و در سیاست دخالت نظامی در خارج از مرزها متعهد شود. اما تاکنون که بیش از شش ماه از آغاز اعتصاب غذای "هایدر" می‌گذرد، امریکا تنها بی‌اعتنایی به زندگی این دانشمند بشردوست را به نمایش گذاشته است. وی در این فاصله نیمی از وزن خود را از دست داده و به گفته پزشکان در شرف مرگ است.

دکتر هایدر از آغاز سالهای ۷۰ فعالانه در جنبش ضدهسته‌ای شرکت نمود و بجرم همین فعالیتها در سال ۱۹۸۴ از محل کارش در "اداره ملی هوانوردی و تحقیقات کیهانی" "ناسا" اخراج شد. وی نویسنده بیش از ۲۰ اثر علمی است و مدتها روی طرح ساختن سفینه‌ای برای بررسی فعالیت خورشیدی کار می‌کرد.

میخائیل گارباچف رهبر اتحاد شوروی، ماه گذشته طی نامه‌ای ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضع سلامتی وی، او را دعوت به قطع اعتصاب غذا کرد. در نامه آمده بود: "قدرت معنوی شما برای ادامه مبارزه در راه جلوگیری از فاجعه هسته‌ای لازم است. بنابراین، دکتر هایدر از شما خواهش می‌کنیم به اعتصاب غذای خود پایان دهید."

چارلز هایدر دانشمند بشردوست، با پایداری در ادامه فداکاری قهرمانانه خویش می‌خواهد افکار عمومی امریکا را بحرکت وادارد. او مصمم است که تا پایان زندگی خویش به این مبارزه ادامه دهد. زیرا به پیروزی زندگی بر مرگ، و صلح بر جنگ معتقد و امیدوار است. او می‌گوید: می‌خواهم با مرگ خود بر مرگ پیروز شوم.

آدرس
Pf.10
1091 WIEN
AUSTRIA
اتریش

حساب بانکی
AUSTRIA – WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزهٔ خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی !